

ایررفرنه

دوهفته نامه اقتصادی - فرهنگی - اجتماعی شماره هفتم نیمه دوم خرداد ماه ۱۳۹۹ قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

تولد بورس در ایران

از پل حافظ تا
کاخ سعادت آباد





در خانه بنشینید و دور از
گرما، سرما، شلوغی و ترافیک
زبان یاد بگیرید.

مرجع آموزش زبان های خارجی آنلاین
www.ManoZaban.ir

وارد بورس نشوید!

اگر می‌خواهید بورس شغل دوم و درآمد اولتان باشد



دوره آموزشی **بورس**

زیر نظر وزارت علوم تحقیقات و فناوری

مشاوره تلفنی رایگان : ارسال عدد **۴۵** به **۳۰۰۰۶۰۱۶**

ایر هفتانه

دوهفته نامه اقتصادی فرهنگی اجتماعی
شماره هفتم نیمه دوم خرداد ماه ۱۳۹۹



صاحب امتیاز: زهره والی پور

جانشین و قائم مقام مدیر مسئول: میثم شکری ساز

مدیر اجرایی: مژده شکری ساز

سر دبیر: محمد امامی

طراحی و گرافیک مطبوعاتی: آرمان امامی

مدیر تحقیقات و توسعه: سارا صادقیان

مدیر فناوری و اطلاعات: امیر عسکری

سرپرست گروه تبلیغات: ژاله کلاهی

سرپرست حوزه مدیریت: شیوا اکبری نساجی

سرپرست روابط عمومی: امیر حجازی

ویراستاری و حرفچینی: ساسان سامانی

مسئول فضای مجازی: فاطمه توسلی

آدرس دفتر مرکزی: تهران شهرک غرب

بلوار دریا خیابان توحید سوم

خیابان موج پلاک ۴

تماس با تحریریه: ۰۹۱۳۳۰۷۰۷۹۱

سلامی به گرمی اولین روزهای تابستان به

تمامی مخاطبان گرامی.

شماره دوم دوره جدید نشریه این هفته و یا

شماره هفتم دوره مسلسل دوهفته نامه را در

جمع خانواده بزرگ پارس به انتشار رساندیم

و سعی نمودیم پیشنهادات سازنده مخاطبان

را تا جایی که مقدور بود در فرم شکلی و

محتوایی مطالب مد نظر قرار دهیم. امید واریم

در ادامه راه با همراهی خوانندگان وفادار مجله

بتوانیم لذت رسیدن به بلندای پارس را با هم

تجربه کنیم. واما توضیح آخر اینکه از این شماره

خوانندگان محترم می توانند با خواندن QR کد

هر مطلب توسط نرم افزارهای کد خوان تلفن همراه

ما را در سایت و شبکه های مجازی نشریه دنبال

کنند.



۳۰

۲۴

۶

- ۶ بگذارید تا زنده ام کار کنم
- ۱۰ کارآموز راهبه ای که سد شکن دنیای مد شد
- ۱۲ پوشش ایرانی در بلندای تاریخ پارس
- ۱۴ از لو رفتن ایده تان نترسید
- ۱۶ تولد بورس در ایران
- ۱۸ دومینوی برد و باخت بورسی ها
- ۲۰ لطفا از خیر سهام عدالت فقرا بگذرید
- ۲۲ چراغ سبز دولت بورس تهران را پراند
- ۲۴ برای کسی تب کرده ایم که برایمان نمی میرد
- ۲۶ باید آمادگی پذیرایی از اعتماد مردم را داشته

باشیم

- ۲۷ کسانی سوار بر کشتی سیاست
تصمیمات نادرستی می گیرند
- ۲۸ میگن حبابه تا جهت
سرمایه را به سمت خودشان
کج کنند
- ۳۰ مواظب جریان سازان بورسی باشید
- ۳۲ به خاطر یک مشت سهام همبازی بورس

نشویم

- ۳۳ مواظب باشیم از هول حلیم توی دیگ نیفتیم
- ۳۴ دکتر آمریکا علیه واکسن کووید ۱۹
- ۳۷ تئوری های توطئه از شرق تا غرب
- ۳۸ پاشنه آشیل ترامپ در نظام درمانی آمریکا
- ۴۰ جشن دلتنگی
- ۴۲ مسئولان با پاک کردن صورت مسئله کمکی به حل آن نمی
کنند
- ۴۴ ده حقیقت مخفی سریال خانه کاغذی
- ۴۶ ترس و تردیدها از اکران آنلاین در ایران





بگذارید تا زننده ام کار کنم

درباره قدرتی بود



راستش را بخواهید وقتی وارد اتاقش شدم شوکه شدم. ابرقهرمان ساختمان سازی مدرن به جای میز چوب گردویی ریاست، پشت میز عمومی کار نشسته بود. میزی که در میانه پایین اتاق مستطیلی و مشرف به میز ریاست قرار داشت. سادگی دیوارهای اتاق با چند قاب ساده خطاطی به طرز مرموزی حس خودی بودن را به تازه وارد می داد. و کتابخانه کوچک کنار میز که نشان از احترام وی به یارمهربانش است، پیراهنی راحت و اسپرت اما از جنس خوبش را به تن کرده بود و بی آرایش تقاضا کرد عکس و فیلمی از او در گزارش نباشد، می گوید: برایم دردسر می شود. ما هم به رسم ادب پذیرفتیم. مردی که توانسته کارآفرینی را به خوبی هجی کند و درسش را خوب یاد گرفته. مسعود صرامی حالا یک میلیارد در تمام عیار است، کسی که از شمع فروشی به کرسی پولدارترین های اصفهان تکیه زده و قرار است، دومین سیتی سنتر اصفهان را در کاوه اصفهان پایه گذاری کند.

از شمع سازی تا ابرقهرمانی ساختمان سازی مدرن در اصفهان. چه شد که به اینجا رسیدید؟

خدا را شاکرم که خداوند به من یک عقل کامل و سالم داد که ثمره اش کار شده است و برای من ارزش دارد که از بنده به عنوان ابرقهرمان سازندگی نام برده می شود، اما خودم این لقب را قبول ندارم، به این خاطر که آنچه که به عنوان یک انسان لازم بوده را انجام داده ایم و هر آنچه که درست بوده را به سرانجام رسانده ایم.

قرار است در آینده به کجا برسید؟

در آینده می خواهیم به سمت رفع موانع موجود در شهر و کشور حرکت کنیم، یعنی هر آنچه که نیاز یک شهروند و انسان و حق طبیعی مردم هست به انجام برسانیم و حتی اگر دولت نتوانسته این کار را انجام دهد، ما به سهم خود آرزوهای اصفهانی ها را برآورده کنیم؛ حال چه در زمینه های درمانی و چه فرهنگی و چه اجتماعی، این وظیفه ای است که ما خودمان تعیین کرده ایم و حداکثر تلاشمان را انجام می دهیم.

یکی از کارهایی که شما کردید ایجاد مدرسه اقتصاد است، به نظر شما چند اقتصاد دان نخبه از دل این مدرسه بیرون می آید؟

مدرسه اقتصاد متعلق به تمامی مردم شهر اصفهان است و تنها دلیل پایه گذاری آن ساختن مدیرانی برای نسل آینده و رشد و توسعه کشور است. در واقع امنیت فردای این مردم، مرهون پرورش صحیحی است که این بچه ها پیدا می کنند. این مدرسه قرار است موانعی که بر سر راه رشد و توسعه شهر ایجاد شده را بردارد.

موقع ساخت سیتی سنتر در فکر تشکیل یک لایف استایل بودید چقدر به این هدف رسیدید؟

ما طبق پذیرش مردم کار کردیم؛ به این معنا که به مرور تغییراتی را ایجاد نمودیم که مردم دوستش داشتند. اکنون اصفهان امکاناتی دارد که به روز است و این در حالی است که این حق اصفهانی هاست و امیدواریم در این زمینه خدمت رسان خوبی باشیم.



به موقعی گفتید برج العرب دبی را در ایران می سازم! ساختید؟

بله دقیقاً به هدفی که می خواستیم، رسیدیم، در واقع صحبت من در آن زمان این بود که برخی کشورها مثل دبی ساختمان هایی می سازند که سمبل کشورشان است و چرا ما هم این بناها را که با تاریخمان گره خورده و می تواند سمبل کشورمان باشد نداشته باشیم؟ بنابراین هتلی طراحی کردیم که سمبل هایی مثل برج کبوتر و یا چهل ستون را داشته باشد و بتواند به شکل سمبلیک تاریخ ما را برای آیندگان نشان دهد. گرچه این موضوع درآمدی برای ما ندارد، ولی به عنوان یک ارزش تاریخی می تواند معرف آثار تاریخی گذشتگان ما و نسل آینده باشد. در حقیقت ما آهنگ روز را بر تاریخ گذشته سوار کردیم و به شکل سمبلیک از ادوات و متریالی استفاده کردیم که مردم خسته نشوند. همچنین بر روی بدنه از طرح های اسلیمی که نماد اصفهان هست استفاده شد و در طبقه آخر هم با سایه ها و نماد آب سعی کردیم که سمبل نصف جهان را نشان دهیم. تمام این نمادها و سمبل ها در یک هتل ۵ ستاره با تاریخ اصفهان به نمایش گذاشته شده است.



جوان امروز ما دچار سر خوردگی شده به این علت که هر روز شاهد دزدی ها و اختلاس های چند میلیاردی است. جوان ما به این نتیجه رسیده که زحمتی که در این کشور می کشد، باعث رشدش نخواهد شد و به تناسب زمان عمرش نیست. به این خاطر که تورم زودتر از او حرکت کرده و همیشه جلوتر است.



شما همیشه به عنوان استارت‌آپی موفق مطرح بوده اید، تاثیر نخبه های خلاق و جوان در پروژه های شما چقدر بوده است؟

متأسفانه خیلی ضعیف. به این دلیل که منیت ها باعث می شود که حاضر نشویم از عقاید شخصی پا را فراتر بگذاریم و عقایدمان را با دیگران به اشتراک بگذاریم. اگر از خرد جمعی استفاده می کردیم قطعاً کاری بهتر از این می توانستیم ارائه دهیم.

از اینها بگذریم، به نظرتان چرا جوانان امروزی پول را حلال مشکلات و دواى هر درد بی درمانی می دانند؟

بگذارید یک مثال بزنم، کرونا به ما نشان داد که تنها پول نمی تواند حلال کلیه مشکلات باشد. گاهی اوقات این قدر که نرم افزارها به کمک ما می آید، پول نمی آید. اما مشکل ما این است که جوان امروز ما دچار سر خوردگی شده به این علت که هر روز شاهد دزدی ها و اختلاس های چند میلیاردی است. جوان ما به این نتیجه رسیده که زحمتی که در این کشور می کشد، باعث رشدش نخواهد شد و به تناسب زمان عمرش نیست. به این خاطر که تورم زودتر از او حرکت کرده و همیشه جلوتر است.

وقتی جوان ما با مقصدش فاصله پیدا می کند، اعتماد به نفسش را از دست داده و این باور غلط برافکارش حاکم می شود که همه چیز با پول حل می شود.

متاسفانه برخی از ما پشت میز ادارات نشسته ایم تا مانع کار کردن بخش خصوصی شویم. تا زمانی که این کشور بر منافع شما ارجحیت و منافع شما بر محیط و محیط بر شهر و شهر بر کشور ارجحیت داشته باشد این کشور رشد نمی کند



قرار بود سالمندان را صاحب شهرک اختصاصی کنید، چی شد؟

اگر با این مسئولان بی مهر باشد کاری نمی توان کرد، ولی اگر مسئولانی باشند که حس همراهی، آینده نگری و کمک به کار آفرینی در وجودشان باشد و راس هرم کار باشند، می توانیم به فعالیت هایمان ادامه دهیم. اینکه ما نخواهیم ۹۰ درصد انرژی مان را صرف قانع کردنشان بگذاریم. وقتی یکی از مسلمان ترین و پاک ترین مسئولان این شهر برای یک بله یا خیر دو سال است ما را ساکن نگه داشته و به من می گوید از خدمت دیگری که در حال انجامش هستیم باید بکاهم تا مجوز فعالیت دیگری را به من بدهد! به نظر شما تکلیف من چیست؟ این در حالی است که این آدم نه آدم بدی است، نه دزد است و نه نفعی از این موضوع می برد. متاسفانه برخی از ما پشت میز ادارات نشسته ایم تا مانع کار کردن بخش خصوصی شویم. تا زمانی که این کشور بر منافع شما ارجحیت و منافع شما بر محیط و محیط بر شهر و شهر بر کشور ارجحیت داشته باشد این کشور رشد نمی کند.

شمع سوالات را با آرزوی شما برای اصفهان تمام می کنیم. آرزو کنید.

آرزویم این است که هیچکس حسرت هیچ چیز را نخورد. ما دلی کار می کنیم و هیچ آرزویی جز این ندارم، عشقم این است که با مردم انرژی بگیرم. وقتی یک بیمار ناامید به شهرک سلامت می آید و امیدوار می رود این منم که لذت می برم. پس مسئولان محترم اجازه بدهید تا زنده ام برای این شهر کار انجام دهم و لذت ببرم!

شهرک

سلامت حالش چگونه است؟

است؟ جایی گفته بودید شهرک سلامت به کمک خیابان آمادگاه می آید؟ آمد؟

ما در زمینه شهرک سلامت از برنامه پیش بینی شده، جلوتر هم هستیم، قرار نبود شهرک سلامت ترافیک آمادگاه را کلاز بین ببرد! بلکه قرار ما این بود که میزان تردد در این خیابان کاهش یابد. ما در حقیقت به قصد بهینه سازی حرکت کردیم و شهرک سلامت را ساختیم تا مکملی باشد برای بقیه کلینیک ها و بیمارستان هایی که در سطح شهر و به خصوص در آمادگاه وجود دارد، این تفسیر ما از ایجاد شهرک سلامت بود که در حال حاضر روزانه ۳۰۰۰ نفر را پذیرش می کند. کل فضای درمانی شهرک سلامت گنجایش ۳۶ کلینیک را دارد که همه به کنسرسیومی از بهترین پزشکان اصفهان و کشور واگذار شده است.

کار آموز
راهبه ای
که سد
شکنی دنیای
مد شد



coco
CHANEL



دانش آموز راهبه ها، خواننده شد

کوکو شانل در پرورشگاه بزرگ شد و در همانجا دوختن را آموخت. قبل از اینکه اولین مغازه خود را باز کند برای مدتی کسب و کار کوچکی برای خود دست و پا کرد و شب ها در کلاب ها آواز می خواند، تا بتواند هزینه های زندگی اش را در بیاورد. نام مستعارش کوکو شانل یادگار همان دوره ایست که به طور موقت به عنوان خواننده در بارها مشغول به کار بوده است.

با اینکه او تغییری بزرگ در دنیای مد و زندگی لوکس بوجود آورد اما زندگی او در ابتدا هیچ بویی از دنیای لوکس و راحت نداشت. بعد از درگذشت مادرش، پدرش او را به یک پرورشگاه فرستاد تا در آنجا زندگی کند. او در این مدت دستفروشی و دوره گردی می کرد. کوکو شانل زمانی که در پرورشگاه بود توانست مهارت دوختن را از راهبه هایی که او را بزرگ می کردند بیاموزد. این مهارت زندگی آینده شغلی او را شکل داد. نام مستعار او "کوکو"، از زمانی برایش انتخاب شد که تصمیم گرفت برای گذران زندگی در کلاب های شبانه آواز بخواند. در آنجا او را کوکو صدا می کردند. برخی می گویند که این نام برگرفته از یکی از آوازهایی است که او در کلاب ها اجرا می کرد ولی خود او می گوید که این نام از کلمه cocotte که کلمه ای فرانسوی است و معنی فارسی آن معشوقه است اقتباس شده.

از قضاوت های دیگران نمی هراسید

شاید بتوان در زندگینامه کوکو شانل از او با عنوان یک "سد شکن" نام برد زنی که از قضاوت ها نمی ترسید و هنجار های اجتماعی بر زندگی و تصمیماتش تاثیری نداشت. چرا که از ایده ها، طرح ها و باورهایش پیداست همیشه "راحتی" را به "قوانین عرفی" ترجیح داده است. قوانینی که هیچگاه معلوم نشد توسط چه کسانی، در چه زمانی و به کدامین دلیل ساخته شده اند و تا کجا قرار است کورکورانه دنبال شوند!

شیوه زندگی شانل، اندیشه و تصورات او را در این مورد که زنان مدرن دنیا چگونه باید نگاه کنند، عمل کنند و لباس بپوشند، نیرو بخشید و تقویت کرد. هیکل لاغر پسرانه او و مدل موی کوتاه و پوست برنزه او، همچنین زندگی فعال و استقلال مالی او را به یک ایده آل گرا و آرمان خواه بدل کرد.

از تغییر واهمه نداشت

شانل در تمام دوران فعالیت خود، در بسته بندی و بازاریابی گرایش و سبک شخصی خود موفق بود و در سرتاسر قرن بیستم، به یک داور عالی و برجسته ذوق و سلیقه زنان تبدیل شد. او حتی وقتی نخستین کیف دستی خودش را در سال ۱۹۲۹ طراحی کرد سبب نوعی رسوایی شد؛ چرا که استفاده از بند کیف برای زنان در جامعه آن زمان نامناسب به نظر می رسید. وی در این باره گفت: "از دست گرفتن کیف هایم و گم شدنشان واقعا خسته شده بودم؛ پس یک بند بهشان افزودم. تغییری که تا به امروز هم همراه کیف های زنانه مانده است."

چند حقیقت جالب از زندگی کوکو

علاقه عجیب به جیب!

کوکو شانل علاقه و دقت زیادی به قرار دادن جیب در لباس های زنانه و اکسسوری های دیگر مانند کیف های خانم ها بود. او معتقد بود که در لباس خانم ها به اندازه کافی جیب وجود ندارد و به همین دلیل در طراحی های خود حساسیت و تاکید زیادی روی جیب داشت. حتی تا امروز نیز دقت می شود که این نکته در طراحی کیف ها و لباس های این خانه مد، مد نظر قرار بگیرد و اگر به کیف های این برند نگاه کنید می بینید به طور ماهرانه ای به اندازه کافی جیب دارند.

اتهام همکاری با نازی ها!

گزارشات بسیاری وجود دارد که در آن اشاره شده کوکو شانل با نازی ها همکاری می کرده است اما هیچکدام به اثبات نرسید. بعضی عقیده دارند که در طول جنگ جهانی دوم او از روابط و آشنایان خود در طبقه اشراف اسپانیا و انگلیس برای رساندن اطلاعات به آلمان ها استفاده می کرده. علاوه بر این گفته می شود در زمان جنگ جهانی دوم او با یکی از افسرهای ارتش نازی در طول اشغال فرانسه توسط آلمان ها به نام هانس گونتر فون دینکلج (Huns Gunther Von Dindklage) قرار می گذاشته و دوست بوده اند.

زندگی در هتل بیش از ۳۰ سال!

کوکو شانل برای بیش از ۳۷ سال تا زمان مرگش در سال ۱۹۷۱ در سوئیت لوکسی در ریتز هتل (Ritz Hotel) زندگی می کرد. او تمام دوران جنگ جهانی دوم را در این سوئیت لوکس و اشرافی زندگی کرد. هتلی که در آن زمان اکثرا مملو از افسران عالی رتبه نازی و آلمانی بود و باعث شد به شایعه ارتباط او با نازی ها دامن بزنند.

Chanel No5

و اما می شود که از کوکوشانل گفت و از ادکلن محبوب و امضای او سخنی نگفت؟ شانل شماره ۵ عطر محبوب همه دوران هاست و در تمام دنیا در دسترس همه قرار گرفته و در تمام این سال ها جزو پرفروش ترین رایحه های دنیا بوده است تا جایی که در دنیا هر ۳۰ ثانیه یک نفر یک شیشه از ادکلن Chanel No 5 می خرد. بالاخره با شروع سال ۱۹۷۱، شانل ۸۷ ساله، خسته و بیمار بود. او کارهای معمول خود را در تهیه کاتالوگ بهار انجام داد. او بعد از ظهر شنبه ۹ ژانویه برای رانندگی طولانی رفته بود. خیلی زود، احساس بیماری کرد، زود به رختخواب رفت. او سخنان پایانی خود را به خدمتکار خود چنین گفت که عبارتند از: «می بینید، او اینگونه می میرد».



پوشش ایرانی در بلندای تاریخ پارسی

چندی قبل شباهت ظاهری و نوع پوشش مدلینگ‌های کوچی در ارائه ساعت Grip با لباس‌های دهه ۵۰ و ۶۰ در ایران مورد توجه کاربران در صفحات اجتماعی قرار گرفت. این برند در رونمایی از ساعت Gucci Grip هفت اجتماع از سراسر جهان را در یک سری تصاویر، فیلم‌ها و آثار هنری جمع کرد که همگی از این ساعت که دنیای اسکیت بازی الهام بخش آن بوده است، استفاده می‌کنند. شباهت ظاهری در نوع پوشش این مدلینگ‌ها به نوع پوشش در دهه ۵۰ و ۶۰ در ایران باعث شگفتی کاربران شده بود.

در سالهای نه چندان دور هم کوکوشانل در جایی گفته بود: «پریشیا بهشت طراحی لباس است». اینها را نگفتم تا از فضای بلوشوی کنونی صنعت لباس شکوه کنم نه فقط می‌خواستم بگویم ایران پارسی، همیشه دوران، در آسمان خود ستاره‌های چشمک زن زیادی داشته و دارد. بهار و تابستان و پاییز و زمستان، هر کدام برای خود قصه‌ای دارد، وقتی پارچه‌های قدیمی کودری‌های گل‌گلی و ترمه و تور و آنچه در صندوقچه میراث تاریخی است روی لباس‌ها نقش می‌شود تا طراحی خوش فکر، با ذوق هنری متکی بر خلاقیت و نوآوری خود، با لباس‌هایش تاریخ را فریاد بزند و پیامبر روح آزاد و هویت پرفروغ ایرانی‌اش باشد، طبیعتاً حال صنعت مد و لباس در ایران خوب می‌شود. سارا صادقیان، متولد ۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۱ فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی و صاحب‌برند لباس سارا، یکی از کسانی است که خوب توانسته این رسالت را یدک بکشد، از کودکی به این رشته علاقه داشته و با شرکت در دوره‌های آکادمیک، طراحی لباس را به صورت حرفه‌ای فراگرفته و اکنون در کمال پختگی، لباس‌هایی را طراحی می‌کند که ایرانی‌پسند باشد. او اعتقاد دارد که آموزش‌هایی که در این زمینه داده می‌شود، باید هم آکادمیک و اجرایی باشد و هم مباحث به روز را دربرگیرد و در عین حال کاربردی هم باشد؛ مقوله‌ای که خودش از آن تبعیت کرده و سعی دارد شاگردانش را به سمت بازار کار هدایت کند. از جمله کارهای او کالکشن زمستانه سال ۹۸، است که در طراحی لباس‌ها از طرح‌های گلیم فرش هم استفاده کرده و با استقبال خوبی روبرو شده است او هم اکنون در حال انتشار کتابی با عنوان زنان برای موفقیت است. با او به گفت و گو نشستیم تا از احیای لباس ایرانی بگوید:

با مردم عادی که صحبت میکنیم چرا این همه لباس خارجی؟ مگه ما طراح نداریم لباس ایرانی طراحی کنه؟ واقعاً قصه چیست؟

بهترین روش برای احیای مد و پوشاک ایرانی حرکت به سمتی است که ما بتوانیم طرح‌های به روز خارجی را با المان‌های ایرانی تلفیق کنیم تا جوان امروزی ما راحت‌تر آن را بپذیرد. باید بپذیریم که جوان امروز لباس کاملاً سنتی ایرانی را کمتر می‌پسندد و بیشتر به سمت طرح‌های به روزتر تمایل دارد، بنابراین می‌توانیم این طرح‌های سنتی را با المان‌های به روز دنیا پیوند بدهیم تا رضایت اقشار مختلف را تأمین کنیم.

از طرح‌های روز گفتید، با توجه به اینکه اکثر این طرح‌ها وارداتی هستند، چه تأثیرات منفی و مثبتی را بر جامعه می‌گذارند؟

به نظر من واردات پوشاک یک چاقوی دو لبه است که هم تأثیر مثبت داشته و هم تأثیر منفی که باعث شده بیشتر افراد جامعه به سمت پوشیدن پوشاک غربی سوق پیدا کنند. اما در عین حال تأثیرات مثبتی هم داشته و آن اینکه ما توانسته‌ایم طراحی این پوشاک را ایرانی‌زده کنیم و به نوعی ایرانی‌ها را ایرانی‌پوش کنیم. گرچه این موضوع را هم باید عنوان کنم که تأثیرات منفی این مقوله خیلی بیشتر است.



زن ایرانی باید بر ایرانی بودنش تکیه کند و با لباسی که می پوشد، اجازه دهد در هر جامعه ای که ظاهر می شود، ایرانی بودنش را معرفی کند و این فرهنگ را در سراسر دنیا فریاد بزند. زن ایرانی باید ظاهرش به شکلی باشد که پیشینه و ملیتش را نشان دهد و نگذارد این گذشته گران بها به زوال و نابودی برود.

سارا صادقان
مدیر دپارتمان طراحی لباس موسسه آموزش عالی فن پردازان



یعنی با این ایرنیزه کردن ها توانسته ایم خلهایی که باعث می شود نتوانیم لباس ایرانی را به اندازه کافی جا بیاندازیم را از بین ببریم؟

به نظر من اگر بخواهیم ایرانی ها را ایرانی پوش کنیم، باید مشخصه های زیادی را در نظر بگیریم. فاکتورهایی که در نهایت به پوشیدن لباس ایرانی ختم شود. اینکه نیازسنجی کنیم که جوان ایرانی یا فراتر از آن، افشار مختلف اجتماع چه دغدغه ها و نیازهایی برای پوشش دارد؟ اگر ما بتوانیم این مشخصه ها را فاکتور قرار دهیم و طرح های به روز با المان های جدید و پراز تنوع داشته باشیم سهم عمده ای در ایرنیزه کردن پوشاکی که امروز در بازار وجود دارد خواهیم داشت. قطعاً با این تفاسیر مخاطب ایرانی ختم می شود به برند ایرانی و قطعاً از محصولات ایرانی استفاده خواهد کرد.

در این آشفته بازار صنعت لباس، جا انداختن یک برند ایرانی چگونه میسر است؟ و نقش اکسسوری ها در این رابطه چیست؟

متأسفانه اکنون برندهای ایرانی که در بازار شکل گرفته برندهای حساب شده ای نیستند؛ به این علت که یا طراح آموزش درستی ندیده و حرفه ای نیست و یا با بازار ایرانی آشنایی ندارد و نمی داند دغدغه ها و نیازهای مشتری چیست. از سوی دیگر با سایر مجموعه های طراحی لباس هم آشنایی نداشته و همین عامل می شود که نتواند رضایتمندی مخاطب را در نظر بگیرد. متأسفانه طراحان ما خیلی وقت ها در طراحی لباس از اکسسوری ها که موارد مهمی در طراحی هستند غافل می شوند و آنها را نادیده می گیرند، این در حالی است که ما اکسسوری های قدیمی و ارزشمندی در طراحی های لباس ایرانی داشته ایم که فراموش شده اند. از سویی دیگر در طراحی لباس مسائل دیگری مثل طراحی کفش، کیف و شال و روسری و حتی عطر هم بسیار اهمیت داشته و بخشی از طراحی به شمار می رود که در تمامی قسمت های مد و فشن باید در نظر گرفته شود. در خیلی از موارد ما می بینیم که از این موضوعات چشم پوشی می شود و یا مورد بی توجهی قرار می گیرد در حالی که علم روز طراحی این موارد را مهم می داند و باید زنده شود.

چقدر کیفیت طرح ها می تواند در احیا پوشاک ایرانی تاثیر گذار باشد؟

در واقع کیفیت حرف اول را می زند، اما از آنجایی که باید نیازسنجی کنیم و نیاز مشتری را ببینیم، تنوع قیمتی و کیفیت و کتگوری محصول خیلی مهم است؛ اینکه بضاعت افراد را در نظر بگیریم و قدرت انتخاب افراد را بالا ببریم و در عین حال حتی الامکان تلاش کنیم که از سطح کیفیت کم نکنیم.

برای خانم های ایرانی چه توصیه ای دارید؟

به نظر من زن ایرانی باید بر ایرانی بودنش تکیه کند و با لباسی که می پوشد، اجازه دهد در هر جامعه ای که ظاهر می شود، ایرانی بودنش را معرفی کند و این فرهنگ را در سراسر دنیا فریاد بزند. زن ایرانی باید ظاهرش به شکلی باشد که پیشینه و ملیتش را نشان دهد و نگذارد این گذشته گران بها به زوال و نابودی برود.

همانطور که می دانید در حوزه مد و لباس آموزشگاه های متعددی وجود دارد، شما عنوان کرده اید در آموزشگاه شما هنر آموزان روش ورود به بازار را هم یاد می گیرند، واقعاً اینطور است؟

بله دقیقاً. آموزش های ما در دو قالب آکادمیک و اجرایی است. به این معنی که افراد علاوه بر اینکه آموزش های به روز را تجربه می کنند، از مجموعه هایی هم که به آنها کمک می کند، بازدید می کنند. یکی از مزایایی که در این آموزش ها وجود دارد این است که حتی کسی که برای طراحی دست به قلم نشده هم، امکان شرکت در دوره های ما را دارد. به جهت اینکه این آموزش ها از صفر شروع می شود و تا رسیدن افراد به نقطه اجرایی ادامه دارد. در نهایت برای هنرجوها رویدادی گذاشته می شود که در آن کارهای انجام شده، به مرحله اجرا و بازدید گذاشته می شود تا به بازار کار وارد شود. ضمن اینکه بازدید از کسب و کارهای مختلف این امکان را به وجود می آورد که بچه ها با دغدغه مندی ها و روال کاری طراحان حرفه ای که وارد بیزنس شده اند آشنا شوند. موضوع دیگری که باید در اینجا مطرح شود این است که در این آموزش ها از اساتید حرفه ای و استادان دانشگاه که تجربه کاری خوبی در این زمینه دارند استفاده می شود، به این خاطر که کیفیت آموزشی برای ما حرف اول را می زند.



آموزش ۶ زبان خارجی

انگلیسی
آلمانی
ترکی
ایتالیایی
فرانسه
چینی

We make it
happen



موسس و سهامدار
پروژه من و زبان:

از لورفتن
ایده تان
تترسید



درباره قدرتی پور — یک جوان پر شور که معتقد است: برای کسی که ترس را به خود راه نمی دهد، امید و اعتماد به نفس، می شود سکوی پرتاب او به سمت پله های ترقی و موفقیت. امیر عسکری که حالا لقب مدیر IT هلدینگ پارس پندار و موسس و سهامدار پروژه من و زبان را یدک می کشد، داستانش از جایی شروع می شود که دریافته هیچکدام از نهادهای آموزشی زبان آن چیزی نیست که او می خواسته و برایش کاربردی نبوده است. شاید همین عامل باعث شده که ایده من و زبان در ذهنش جرقه بزند و حالا برای خودش تجارتی درآمد زا داشته باشد. او با ایده شروع کرده و حالا به اجرا رسیده تا لقب امپراطور تلاش برایش چندان اغراق آمیز نباشد. با او به گفت و گو نشستیم تا از فعالیت نویی بگویند که برای اولین بار شکل گرفته و ایده پرداز آن خودش بوده است.

از یکی بود یکی نبود من و زبان بگویند.

داستان ما از آن جایی شروع شد که من هم مثل بیشتر جوان های برنامه نویس ایرانی به فکر کسب درآمد ارزی افتادم، البته با این تفاوت که من در سطح جهانی و بین الملل و واقعاً حرفه ای کدنویسی می کردم و مطمئن بودم که به راحتی می توانم از عهده این کار بر بیایم. در این میان تنها چیزی که مانع من بود، عدم توانایی ارتباط برقرار کردن با افراد خارجی اون هم به زبان انگلیسی بود که مسلماً به دلیل نظام آموزشی نه چندان کارآمد ما در زمینه زبان انگلیسی ضعف های بسیار زیادی در آن داشتم. اگر بخواهم یک تعریف کلی از من و زبان داشته باشم باید این نکته را ذکر کنم که من و زبان (manozaban.com)، اولین پلتفرم هوشمند آنلاین آموزش زبان خارجی هست که زبان های انگلیسی، آلمانی، چینی، ترکی، فرانسوی و ایتالیایی را به زبان شیوای پارسی آموزش می دهد.

از اولین قدم هایتان شروع کنید. چه شد که به اینجا رسیدید؟

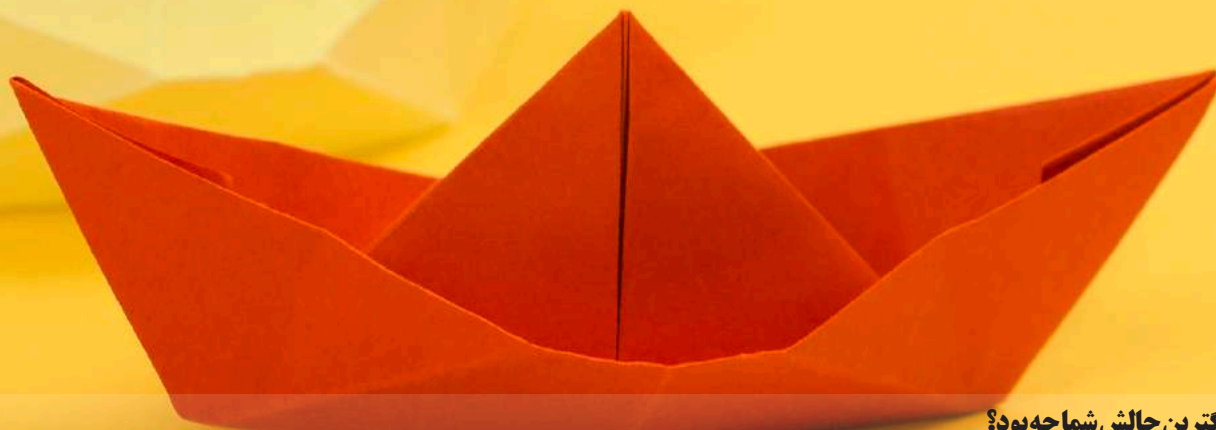
در اولین قدم به سراغ سایت ها و اپلیکیشن های آموزش زبان در اینترنت چه به زبان فارسی و چه به زبان انگلیسی رفتم دو، سه ماهی به این روش زبان انگلیسی کار کردم و خوب پس از آن با اعتماد به نفس کامل اولین رزومه درخواستی که از سمت کشور هلند بود را اکسپت کردم و قرار مصاحبه اسکایپی برقرار شد و متأسفانه در این زمان بود که متوجه شدم زبان انگلیسی واقعا از آن چیزی که ما یاد گرفتیم فراتر هست به عنوان مثال اصطلاح های بسیار خاصی استفاده می شد قواعد همیشه رعایت نمی شد، جملات قابل فهم نبود بسیار تند صحبت می کردند و من در تمامی مکالمات باید از عبارت پلیز اسپیک اینترنشنال استفاده می کردم.

پس از اون دوره مکالمه فشرده حضوری در یکی از آموزشگاه های مطرح را دنبال کردم. زمانی که به من گفتند تا یاد گرفتن روان مکالمه انگلیسی حداقل ۲ سال فاصله دارم، با یکی از بدترین کابوس هایم مواجه شدم و به راحتی هر چه تمام با کلیه ایده های بین المللی ام خداحافظی کردم و جرقه ایده من و زبان از اینجا شروع شد.

رقیب های بسیار زیادی بودند که من با همه آنها ناخواسته تعامل کرده بودم و به نتیجه نرسیده بودم، چند جوان مثل من می بایست به بن بست می خوردند؟

این بود که من یک نیاز به ظاهر حل شده را شناسایی و به فکر راه اندازی پلتفرم آموزشی من و زبان افتادم و با توجه به پیشینه برنامه نویسی قوی و تجربه بالای کار کردن با وب سایت ها و اپلیکیشن های مختلف در این چند وقت، اولین پلتفرم آموزشی به شیوه MVP نوشته شد که بعداً با همکاری دوستان و هم تیمی ها کامل شد.

آن زمانی بود که ما یک پلتفرم کامل و بدون نقص داشتیم که فقط بدنه یک نرم افزار آموزشی بود مشکل بسیار بزرگی که داشتیم متدهای آموزش زبان انگلیسی بود که پس از ادغام با موسسه آموزش عالی آزاد فن پردازان به پیشنهاد متخصصین مرکز از متد مک گراو هیل استفاده شد، این متد کاملاً مطالعه، بومی سازی و توسط ۱۸ کارشناس ارشد زبان، بر روی پلتفرم پیاده سازی شد.



در این راه بزرگترین چالش شما چه بود؟

بزرگترین چالش اخذ مجوزهای مربوطه و امکان فعالیت بر بستر آنلاین در محیط اینترنت بود که توانستیم به کمک موسسه آموزش عالی آزاد فن پردازان این مشکل را رفع کنیم. البته بعد از آن هم از لحاظ فنی هم از لحاظ زمانی به مشکلات بسیار زیادی برخوردیم به این خاطر که پلتفرم آموزشی من و زبان قصد داشت ۱۲ زبان زنده دنیا را با شیوه مک گراو هیل آموزش دهد. ساده تر توضیح بدهم، اگر یک پرسنل هشت ساعت در روز را روی ورود دیتا در پلتفرم کار می کرد، بعد از ۷۸ روز می توانستیم دیتای کاملی بر روی سایت داشته باشیم و این حجم بالای دیتا به همراه دیتای کاربران هدف، به یک استراکچر بسیار منظم و دقیق و حساب شده ذخیره داده نیاز داشت و همین دلایل بود که باعث شد ما به فکر گسترش تیم بیفتیم. اما این همه ماجرا نبود الان ما بهترین پلتفرم آموزش زبان را داشتیم اما یک جای کار می لنگید!

کجای کار دقیقاً؟ حدس می زنیم که بیشتر در زمینه مارکتینگ مشکل داشتید درست است؟

کاربران ایرانی. کاربرانی که یا سخت اعتماد می کنند و یا آن قدرها با اینترنت آشنا نیستند. همچنین علاقه ای به یادگیری متدهای جدید ندارند. درست حدس زدید، چالش مارکتینگ و تبلیغات که با کمک دکتر میثم شکری ساز، مدیر عامل هولدینگ پارس پندار نهاد، این مورد هم به راحتی حل شد.

و درست زدید به هدف؟

دقیقاً. درسته که هدف اصلی این بود که بتوانیم متد آموزش زبان را تغییر دهیم، اما نقشه راهی که بعداً پررنگ تر شد تجاری سازی بود. به هر حال هر چقدر هم شما قصدتان خیرخواهانه باشد، (می خندد و ادامه می دهد) نهایتاً وقتی از بالا به پایین نگاه می کنید و می بینید که بهترین پلتفرم آموزشی زبان انگلیسی را دارید، به فکر تجاری سازی آن می افتید. بنابراین به این سمت رفتیم و برنامه های زیادی برای آن داریم که ترجیح می دهیم فعلاً در این رابطه چیزی نگویم.

پس بهتر است این سوال را بر سر سم که پنج سال آینده در کدام قله موفقیت قرار دارید؟

قطعاً جایی بالاتر از اینجا، زبان های بیشتر، امکانات بیشتر و قطعاً ورود به بورس و قدم گذاشتن به عرصه ی بین الملل از جمله برنامه های پنج سال آینده است.

جامعه آماری شما شامل چه افرادی می شود؟

به دلیل بیان شیوا و سلیس استفاده از بازی و ریاضی طیف سنی ما از پنج سال تا ۹۵ سال را شامل می شود.

به چه نتایجی در زمینه فعالیت هایی که می کنید رسیده اید؟

بزرگترین نتیجه ای که از کارمان گرفتیم این بود که تابوشکنی در متدهای مرسوم آنچنان هم که ما فکر می کنیم به مزاق مردم ایرانی خوش نمی آید. در واقع پیدا کردن سلیقه مردم ایرانی و تبلیغات برای آنها واقعا سخت است.

و در حال حاضر چقدر کاربر فعال دارید؟

در حال حاضر ما یکصد هزار کاربر داریم که این تعداد تا هدف ما فاصله دارد.

پشت پلتفرم آموزشی شما، چه تیمی وجود دارد؟

هم اکنون تیم ما حدوداً ۳۰۰ نفره است که در ماه های آینده (با مکثی کوتاه) زیادتر هم خواهد شد.

اگر کسی ایده ای داشته باشد چطور می تواند آن را به پول تبدیل کند؟ و به نظر شما بزرگترین اشتباهی که یک ایده پرداز دارد چیست؟

مهمتر از همه این هست که ایده را در دل خودتان نگه ندارید! اینکه با ترس لو رفتن ایده تان را برای کسی بازگو نکنید، بزرگترین اشتباه است.

مهمترین مسئله ای که کارآفرینان ایرانی به آن توجه نمی کنند اهمیت تیم سازی و مارکتینگ است. در ایران بیشتر ایده ها به تنهایی و بدون در نظر گرفتن بازار هدف تخصصی شکل می گیرند که با توجه به تجربه من در این زمینه تمامی این ایده ها حتی اگر به بهترین شکل هم پیاده شوند به نتیجه نخواهد رسید. ایده پرداز باید سعی کند از همان ابتدا به فکر تیم سازی باشد و بدنبال پلن مارکتینگ قوی باشد.

تولک بورس در ایران

از وال استریت نیویورک تا پل حافظ تهران



ایجاد منبع سرمایه
برای کسب و کار،
امکان سرمایه گذاری
خارجی و ایجاد منبع
برای بودجه دولت،
از خصوصیات بازار
بورس است که قرار
بود در ایران هم به
کمک بیاید و اقتصاد
را متحول کند.

درست ۴۷ سال پیش بود که پای بورس به ایران باز شد. در واقع مطالعات اولیه درباره تأسیس بورس در ایران، به سال ۱۳۱۵ هجری شمسی برمی گردد. آن زمان «ران لوترفلد» بلژیکی پس از انجام مطالعات گسترده درباره تأسیس بورس در ایران، اساسنامه داخلی بورس را تهیه و به مسئولان ایرانی ارائه کرد، اما با توجه به شرایط آن زمان و وقوع جنگ جهانی دوم، عملاً موضوع بررسی و تأسیس بورس در ایران بیش از ۲۵ سال به تأخیر افتاد.

اولین گام استوار بورس در ایران را به سال ۱۳۴۵ نسبت می دهند، همان زمانی که قانون تشکیل بورس اوراق بهادار در مجلس تصویب و برای اجرا از سوی وزارت اقتصاد به بانک مرکزی ابلاغ شد. البته بعد از اینکه در سال ۱۳۴۱، کمیسیونی در وزارت بازرگانی و با حضور نمایندگان وزارت دارایی، وزارت بازرگانی و بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران تشکیل و موافقتنامه اولیه تأسیس بورس سهام در این کمیسیون، تنظیم شد.

در اواخر همان سال یعنی سال ۴۱ هیئتی از بورس بروکسل به سرپرستی دبیر کل این بورس برای مشارکت در راه اندازی بورس ایران، به کشورمان دعوت شدند و بالاخره پس از چهار سال، در سال ۱۳۴۵ قانون تشکیل بورس اوراق بهادار در مجلس تصویب و برای اجرا از سوی وزارت اقتصاد به بانک مرکزی ابلاغ شد. حدود یک سال بعد از ابلاغ قانون تشکیل بورس اوراق بهادار، در پانزدهم بهمن ماه سال ۱۳۴۶، بورس اوراق بهادار تهران با انجام چند معامله بر روی سهام بانک توسعه صنعتی و معدنی که بزرگترین مجتمع واحدهای تولیدی و اقتصادی در آن تاریخ به شمار می رفت، به طور رسمی فعالیت خود را آغاز کرد.

از رکود جنگی تا صعود تحریمی

بورس تا کنون اوج و فرودهای بسیار زیادی را تجربه کرده است. رکود ایام جنگ را هنوز به خاطر دارد و همچنین صعود پرحاشیه ایام تحریم های سخت اقتصادی همراه با کرونا را تجربه کرده است. از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۷، تعداد شرکتها و موسسه های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ۱۰ بنگاه اقتصادی با سرمایه ۲/۶ میلیارد ریال به ۱۴۲ شرکت با بیش از ۳۰۸ میلیارد ریال افزایش یافت. با پیروزی انقلاب اسلامی، تعداد شرکت های پذیرفته شده از ۱۰۵ شرکت، به ۵۶ شرکت در پایان سال ۱۳۶۷ تقلیل یافت. علت این امر، تملک بسیاری از بنگاههای اقتصادی توسط دولت بوده است. (در اثر ملی شدن بانکها، بیمه و برخی صنایع کشور، تعداد زیادی از بنگاه های اقتصادی پذیرفته شده در بورس از آن خارج شدند) رکود شدید بازار بورس در طی هشت سال جنگ تحمیلی نیز از وقایع مهم بورس ایران محسوب می شود. در حال حاضر، چهار بورس بزرگ کشور تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار فعالیت می کنند.

وال استریت؛ دیواری که خیابان شد

وال استریت در حال حاضر بازار بورس نیویورک، بزرگترین بازار بورس، از نظر میزان معاملات و ارزش بازار سرمایه در جهان است. با شروع فعالیت بورس های بزرگ جهان، به تدریج سایر کشورها نیز دارای بورس شدند تا آنجا که امروز کمتر کشوری را می توان یافت که بورس نداشته باشد.

اگر به تاریخ تجارت و مبادلات مالی چند دهه ی اخیر، نگاهی بیاندازیم متوجه انقلاب بزرگی که در سیستم اقتصادی کشور و حتی جهان، توسط خیابان وال استریت، مبدا بیشترین معاملات تجاری به وجود آمده می شویم چرا که امروزه وال استریت مقر ثروتمندترین تجار آمریکا به حساب می آید.

ساختمان بازار بورس نیویورک (NYSE) که بزرگترین بورس جهان از نظر میزان داد و ستد و معاملات است، مرکز بزرگترین مراکز اقتصادی ایالات متحده آمریکا و چند بورس مهم اقتصادی این کشور مانند بازار بورس نزدک (NASDAQ)، بازار بورس آمریکا (AMEX)، بورس تجاری نیویورک (NYMEX) و میز بازرگانی نیویورک (NYBOT) در بورس وال استریت، مبدا بیشترین معاملات تجاری تاسیس شده اند.

در سپتامبر ۱۶۵۳ ساکنان محلی که اکنون ساکنان نیویورک محسوب می شوند برای حفاظت از خود در مقابل تعرض بومیان محلی و تهاجم ارتش اولیور کرامول (Oliver Cromwell) یک دیوار (Wall) بزرگ در جزیره منهن ساختند که با گذشت زمان و توسعه منهن خیابانی در امتداد آن دیوار با همان نام کشیده شد (Wall st) و همچنان این نام روی آن باقی مانده است.

آیا بورس در ایران توانست اقتصاد را متحول کند؟

ایجاد منبع سرمایه برای کسب و کار، امکان سرمایه گذاری خارجی و ایجاد منبع برای بودجه دولت، از خصوصیات بازار بورس است که قرار بود در ایران هم به کمک بیاید و اقتصاد را متحول کند، اما آیا بورس به رشد اقتصادی کمک کرده است؟ در یک اقتصاد سالم و بازار بورس پویا می توان از طریق فروش سهام و اوراق مشارکت به تجهیز منابع مالی پرداخت، می توان با تقویت حس مشارکت در عموم افراد جامعه به هدایت سرمایه های اندک آنان به سمت فعالیت های تولیدی و تجاری گام برداشت، می توان از حرکت سرمایه ها به سوی فعالیت های سفته بازانه جلوگیری نمود.

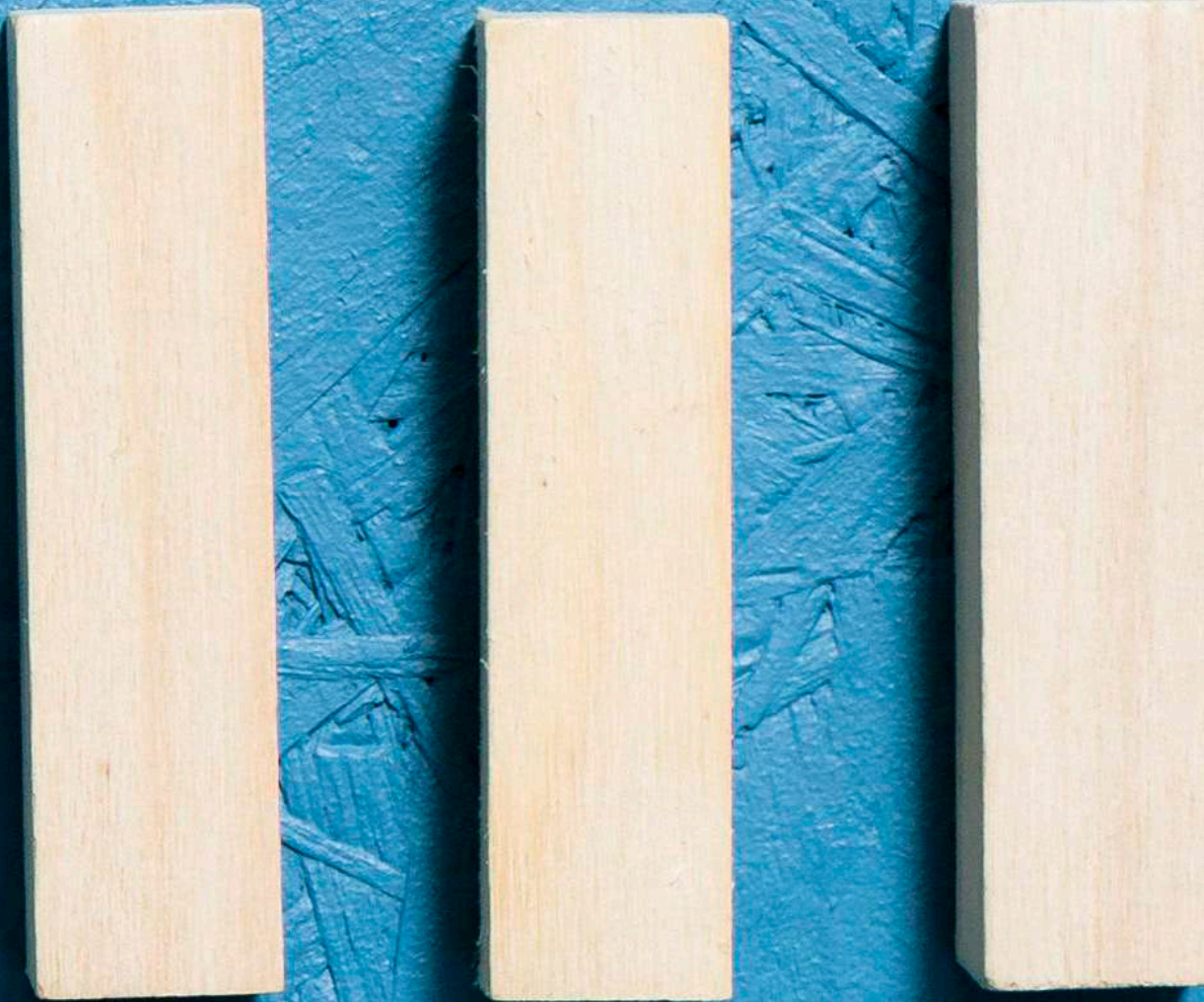
ورود به فعالیت های سفته بازی مثل خرید ارز و گاهی مسکن و امروز خرید خودرو، خروج پول از چرخه تولید است و این به معنی کاهش اشتغال، تشدید بیکاری و تورم است، واضح است که تشکیلات اقتصادی سالم و بورسی پویا تنها از طریق شعار و صرف طرح آرزو ایجاد نمی گردد، بلکه ابتدا باید زیرساخت های لازم فراهم آید و این نقش دولت و مجلس است که فضا را مهیا نمایند و در سیاست گذاری های اقتصادی خود همسو با سند چشم انداز و برنامه های توسعه اقتصادی پنج ساله کشور، قانونمند، هدفمند و با ثبات عمل نمایند.

وجود پتانسیل های بالقوه و ضرورت های ایجاد شده با وجود محدودیت ها و مشکلات پیش رو، جایگاه بورس اوراق بهادار را در طی سالهای اخیر بیش از پیش برجسته و با اهمیت ساخته است.

هرچند که بورس اوراق بهادار کشور از نظر نماگرهای جمعیتی، صنعتی و اقتصادی از موقعیت ممتازی برخوردار است، اما در دسترس نبودن ابزارها و زمینه های لازم برای مشارکت برابر و گسترده صاحبان منابع پس اندازی در بازار سرمایه ایران سبب شده تا درصد کمی از سرمایه تجهیز شده کنونی توسط این بازار به سهامداران جزء یا حتی بخش خصوصی تعلق داشته باشد.

محدود بودن پوشش جغرافیایی بازار سرمایه باعث ناشناخته بودن بورس اوراق بهادار در اکثر نقاط کشور شده است و حضور کم رنگ شرکت های فعال در نقاط دوردست کشور در این بازار نیز از همین رو است.

دومینوی برده و باخت بورسی ها



رامین قربانی:

این روزها صف‌های عریض و طویل دریافت کد بورسی آدم را به یاد صف‌های دو سال پیش روبه‌روی صرافی‌ها می‌اندازد. مردم پریشان با پول‌های سرگردان در جست‌وجوی بستری امن که بتوانند در برابر غول کاهنده‌ی تورم از دارایی خود حفاظت کنند. من از صف می‌ترسم. صف برای من یادآور دو چیز است: اضطراب جمعی و قحطی اجتماعی. از کودکی تا به حال هر بار دیدم مردمی در صف ایستاده‌اند یا برای به‌چنگ آوردن کالایی کم‌یاب بوده یا برای فرونشاندن ترس فقر احتمالی. به‌عنوان یک قاعده‌ی کلی بازار بورس هر کشور دماسنج اقتصاد آن کشور است. با نیم‌نگاهی به شاخص شرکت‌های خرد و کلان می‌توان با تخمین خوبی به وضعیت کلی اقتصاد پی برد.

حالا در ایران! چه خبر شده؟ کدام روزنه‌ی امید به بهبود اقتصاد باز شده که ما از آن بی‌خبریم. در این روزها که غول‌های اقتصاد جهان زمین‌گیر شده‌اند در این کشور چه پیش‌آمده که شاخص‌های بورس هر روز قله‌های تازه‌ای فتح می‌کنند و سرمایه‌گذاران را با عشوهای دلبرانه به‌سوی خود دعوت می‌کنند؟ در چند روز گذشته بازار بورس امریکا، آلمان، ژاپن و کره جنوبی با افت شدید شاخص روبه‌رو شده‌اند. جهان دارد یکی از بی‌سابقه‌ترین دوران رکود خود را پشت سر می‌گذارد، رکودی که زخمش احتمالاً تا سال‌ها بر پیکر اقتصاد دنیا باقی خواهد ماند. درست در همین احوال بورس ونزوئلا، با آن اقتصاد مشعشعش، و بورس ایران محصور در میانه‌ی تحریم‌ها، تورم افسارگسیخته و نزول قیمت نفت دارند از رشد خبر می‌دهند. هیچ تحلیلی چه تکنیکال چه فاندامنتال نمی‌تواند وضعیت امروز بازار را به درستی توضیح دهد، چون حجم بزرگ نقدینگی امروز فرمانده قدرتمند بازار است. آنچه مشخص است حجم عظیم نقدینگی که جذب سازمان بورس شده دارد به سقف نامرئی خود نزدیک می‌شود. شرکت‌های کوچک گاه تا چند برابر ارزش واقعی خود باد کرده‌اند، و این از امواج اصلاحی قیمت در آینده‌ی نزدیک خبر می‌دهد. در این میان می‌ماند یک‌عده مالباخته که بخش بزرگی از سرمایه‌ی خود را روی شرکت‌های کم‌جان و آماس‌کرده قمار کرده‌اند. چراکه رشد هیجانی به‌احتمال زیاد به سقوط منطقی می‌انجامد. سرمایه‌گذارانی که تمام تخم‌مرغ‌های خود را توی یک سبد گذاشته‌اند شاید پشیمان‌ترین آدم‌ها در آینده‌ای نه‌چندان دور باشند.

لطفاً از خیر سهام عدالت فقرا بگذرید

مصطفی نصر اصفهانی

در جدیدترین نظریات اقتصاد فقر، روی جنبه‌های شناختی فقرا تأکید می‌شود. به این معنا که اگر فقرا بتوانند تصمیم‌های درست اتخاذ کنند می‌توانند به راحتی از فقر خارج شوند. البته باید متذکر شد که وقتی گفته می‌شود علت گرفتاری فقرا در دام فقر نحوه تصمیم‌سازی خودشان است به این معنا نیست که «فقر احمق می‌کند»! بلکه طبیعت انسان‌ها اینگونه است که وقتی شخص در شرایط کمبود و نداری قرار می‌گیرد، به طور غریزی تمام دغدغه‌اش حفظ حیات و گذران زندگی روزمره خواهد شد. بنابراین طبقات ضعیف به جای اینکه ریسک کارهای پربازده را به عهده بگیرند و در سرمایه‌گذاری‌های بلندمدتی که پربازده هستند مشارکت کنند، از هرگونه ریسک و یا به تعویق انداختن مصرف اجتناب می‌کنند.

بنابراین، وسوسه فروش سهام عدالت و مصرف کردن آن برای طبقات ضعیف به طور طبیعی و وسوسه‌ای بسیار قوی است. تحریک به فروش دارایی طبقات ضعیف دقیقاً بر عکس چیزی است که در ادبیات اقتصاد فقر مورد تجویز قرار می‌گیرد. فرآیند فقرزدائی از طریق دارایی-سازی (Asset Building) اتفاق می‌افتد و باید تلاش کرد تا فقرا بیشتر پس‌انداز کنند و بیشتر دارایی‌سازی کنند.

فلسفه دستور مقام معظم رهبری مبنی بر آزادسازی سهام عدالت، این است که در این تورم و شرایط اقتصادی نامناسب طبقات ضعیف بتوانند کمی این درد و رنج را راحت‌تر تحمل کنند. بنابراین کلیت آزادسازی سهام عدالت بسیار ایده خوبی است، اما آنچه که در تحقق این فلسفه اهمیت زیاد دارد «جزئیات» مربوطه است.

یکی از نقاط گلوگاهی در رابطه با توانمندسازی فقرا و طبقات ضعیف، که در ادبیات تأمین مالی خرد (Micro-Finance) مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد، عدم دسترسی ایشان به اعتبار و وام است. وقتی دسترسی به وام وجود داشته باشد امکان تشکیل دارایی و یا راه‌اندازی کسب و کار برای فقرا به وجود می‌آید.

اما یکی از علل اصلی عدم دسترسی فقرا به وام و اعتبار، فقدان ضمانت (یا وثیقه) لازم برای بازپس دادن وام است و این امر باعث افزایش متوسط ریسک وام‌دهنده و کزگزینه‌ی (Advers-selection) و نتیجتاً افزایش هزینه وام برای فقرا می‌شود.

سهام عدالت می‌تواند به عنوان یک وثیقه بسیار مناسب برای فقرا در نظر گرفته شود. حال که فقرا و طبقات ضعیف این دارایی بشدت نقدشونده را دارند و با فشردن یک دکمه امکان مصادره آن وجود دارد بهتر است همین دارایی وثیقه وام فقرا قرار بگیرد و در رهن بانک یا موسسه‌ای که وام می‌دهد قرار بگیرد. این روش بسیار مناسب‌تر از ایجاد امکان فروش مستقیم است.

نهایتاً اینکه عرضه سهام عدالت ممکن است منجر به اثراتی منفی در بازار سهام هم بشود که در اینجا و طرح این ایده مورد توجه نبوده است، ولی به نظر می‌رسد در آن راستا هم کمک کننده باشد.





چراغ سبز دولت بورس تهران را پراند

به گفته مدیرعامل بورس تهران رشد جهشی بازار سهام با توجه به بررسی کل بازار نشان می دهد همه بخش ها در حال صعود هستند، قالیباف در رابطه با چرایی رونق بازار بورس تهران می گوید: نقدینگی های جدید در همه صنایع بازار جذب شده که مهمترین دلیل آن بررسی ارزش جایگزینی شرکت های بورسی است. شرکت ها در بازار سرمایه ارزانتر از ارزش واقعی هستند، در حال حاضر به طور قطع راه اندازی یک کارخانه مشابه بنگاه تولیدی که در بازار سرمایه وجود دارد از خرید سهام آن بنگاه تولیدی از بازار سرمایه بسیار گرانتر است.

مدیر بزرگترین بازار بورس ایران، با تاکید بر اینکه سرمایه گذاران به دنبال نشانه های مثبتی از تصمیم های دولتی برای ورود به بازار سرمایه هستند گفت: این چراغ سبز از سوی دولت روشن شد و ورود نقدینگی های جدید به بازار سرمایه را رقم زد. نقش اصلی بازار سرمایه تامین مالی بنگاه های اقتصادی است و هدف هر بنگاهی که وارد بازار سرمایه می شود، تامین مالی سریع و ارزان از این بازار است.

به گفته وی، رونق بازار سرمایه بهترین فرصت برای عرضه های اولیه است، زیرا در روندهای رشدی بورس، عرضه های اولیه باعث کسب بازدهی های قابل توجه می شود. به همین دلیل شرکت هایی که در گذشته به دلیل رکود بازار سرمایه از ورود به آن منصرف شدند می توانند از ظرفیت امروز این بازار استفاده کنند.

به عقیده مدیرعامل بورس تهران، نقدینگی هایی که وارد بازار سرمایه می شود به طور مستقیم به بخش مولد اقتصاد تزریق شده و رشد و رونق اقتصادی را به همراه دارد، البته باید توجه داشت که سایر بازارهای موازی بازار سرمایه کاذب و کوتاه مدت هستند که رشد اقتصادی و اشتغال ایجاد نمی کنند و امتیازی برای اقتصاد ندارند. به عنوان مثال افزایش نرخ ارز به اقتصاد لطمه می زند و باعث کاهش ارزش پول ملی می شود. رشد بازار سرمایه تازه آغاز شده و درآمد شرکت ها هنوز هماهنگ با رشد نرخ ارز افزایش نیافته که باعث رشد قیمت سهام شود.

قالیباف اصل در انتهای اظهار نظرش با تاکید بر اینکه سرمایه گذاران به دنبال نشانه های مثبتی از تصمیم های دولتی برای ورود به بازار سرمایه هستند، گفت: این چراغ سبز از سوی دولت روشن شد و ورود نقدینگی های جدید به بازار سرمایه را رقم زد. نقش اصلی بازار سرمایه تامین مالی بنگاه های اقتصادی است و هدف هر بنگاهی که وارد بازار سرمایه می شود، تامین مالی سریع و ارزان از این بازار است.





برای کسی
تب کرده ایم
که برایمان
نقشی میرد

بد نیست بدانید که شما باید
برای کسی تب کنید که
برایتان بمیرد و قرار نیست
بازار بورس چنین نقشی را برای افرادی
که سواد آن را ندارند ایفا کند!
و این واقعیت فراموش شده
این روزهای بازار بورس است.



محمد امامی: تب بورس این روزها بالا است و از کنار کارگزاری های بورس که بگذرید حجمی از افراد را می بینید که به دنبال ثبت کد بورسی خود هستند. حالا بورس یکه تاز میدان اقتصاد شده است و دماسنج سرمایه خط صعود را نشان می دهد.

این اتفاق در شرایطی می افتد که شرایط اقتصادی چندان منطقی نیست، به خاطر شرایط پسا کرونا، تورم بالا و خیلی ها بیکار شده اند و حالا با باز شدن درهای بورس به رویشان امیدوارند که بتوانند از قافله عقب نمانند. عرضه اولیه در برخی از سهام ها به گونه ای اغوا کننده رخ نشان داده و برخی از سهام ها نیز به صد در صد سود رسیده.

این اتفاقات باعث شده که حجم عظیمی از سرمایه هایی که تا پیش از این به سمت طلا و دلار روانه می شد، حالا به سمت بورس هدایت شود. بورس بازاری که بدون اینکه اطلاعات کافی و وافی از بورس داشته باشند، تنها و تنها به فکر منفعت مالی هستند. خیلی از آنها ماشین زیرپایشان را فروخته اند و برخی هم هر چه داشته اند و نداشته اند وارد بورس کرده اند تا در آینده ای که معلوم نیست چه چیزی را برایشان رقم زده به دنبال سود بیشتر بگردند.

با تمام اینها بورس کماکان سرعت خود را نکاسته و به راه خود ادامه می دهد. در این بین، یک نکته، کمتر بدان توجه می شود و آن سواد بورسی است. هستند افرادی که سن شان هم اجازه نمی دهد تا آموزش ببینند و سهامدار بورس شوند، اما فقط شنیده اند که می توان از طریق بورس به درآمدی هنگفت دست یافت! علی یکی از همان ها است. شغل خاصی ندارد و تنها سرمایه اش ماشینی بوده که آن را فروخته و به قول خودش دارو نداردش را در بورس سرمایه گذاری کرده است. حدود ۲۰ میلیون تومان: یه بار ۵۰ درصد افزایش سرمایه دادم. اگر سهام را به قیمت تقاضای حال حاضر بازار بفروشم سرمایه ام میشه حدود ۴۲ میلیون» او از کارگزاری که برای خودش انجام داده راضی است، به قول خودش می تواند کاری کند که سهامش بالا و بالاتر برود و همه انگشت به دهان بمانند.

در کنار او اما کسانی هم هستند که زیاد با بورس سر و کار ندارند و به عنوان تفریح و افزایش اندکی سرمایه به آن نگاه می کنند، محسن یکی از آنها است او دانشجوی رشته دامپزشکی است و ترجیح می دهد که وقتش را بیشتر برای ادامه تحصیل بگذارد تا بازار بورس: «فعلا به دلیل مشغله زیاد کاری و درسی نمی تونم زیاد تمرکز کنم واسه همین اخیرا عمده سرمایه را روی سهام بلند مدت گذاشتم و با هفت هشت میلیون هم کوتاه مدتی کار می کنم».

در این میان خیلی ها هم هستند که بازار بورس را مثل بازار کیف و کفش می بینند و فکر می کنند به راحتی می توانند صاحب همه چیز شوند؛ آنها به این امید که سود بورس بیشتر از سود بانکی است، تمام امیدشان را از روی ناآگاهی روی برنامه هایی می چینند که ممکن است به ضررشان هم تمام شود.

تهدیدی که این روزها دامن بسیاری را گرفته این است که قرار است سهام عدالت در بازار بورس ارائه شود و خیلی راحت کسانی که فکر می کنند می توانند درآمد مناسبی را از بورس کسب نمایند بلافاصله اختیار سهام خود را از دولت گرفته و به خودشان در بازار بورس واگذار می کنند، بدون آنکه بدانند در بازار سهام قرار است چه نقشی را ایفا کنند!؟

به گفته کارشناسان اقتصادی، بد نیست بدانید که شما باید برای کسی تب کنید که برایتان بمیرد و قرار نیست بازار بورس چنین نقشی را برای افرادی که سواد آن را ندارند ایفا کند! و این واقعیت فراموش شده این روزهای بازار بورس است.

طباطبایی به عنوان یک کارشناس بورسی از تبی صحبت می کند که این روزها درجه بالایی را نشان می دهد و خیلی ها را گرفتار کرده است: «بدون تردید داشتن اطلاعات بورسی و حضور در این بازار با چشم انداز روشن خوب است و بسیار بهتر از پول های در بانک خوابیده است، اما باید این را مد نظر قرار داد که آموزش مقدم بر ریسک اقتصادی است!

ریسکی که حالا تازه واردها را نشانه رفته و بازار سرمایه را با مشکلات جدی روبرو کرده است، چرا که هشدار است برای جبابی که معلوم نیست تا کجا دوام بیاورد و ممکن است هر لحظه بترکد.



باید آمادگی پذیرایی از اعتماد مردم را داشته باشیم



به گزارش سرویس اقتصادی این هفته، وزیر امور اقتصادی و دارایی اعلام کرد: وقتی ارزش معاملات بازاری یک روز می‌تواند ۱۵ تا ۲۵ هزار میلیارد تومان باشد باید به این بازار با چشم دیگری نگاه کرد، زیرا از کوچ نقدینگی به بازارهای دیگر جلوگیری می‌کند.

«فرهاد دژپسند» گفت: در ۱۱ ماهه اول سال گذشته شاهد رشد تولید در شرکت‌های بورسی بودیم و باید با هم اندیشی و همفکری از این فرصت طلایی استفاده و به این قابلیت افتخار کنیم.

وزیر اقتصاد با بیان این که بازار سرمایه از آثار مخرب سایر بازارها مبرا است، گفت: این بازار نقش ویژه‌ای در اقتصاد دارد و یکی از حلقه‌های مفقوده تامین مالی را به سرعت می‌تواند پر کند.

دژپسند با بیان این که هدایت سرمایه‌های خرد برای مردم هم اکنون به نقطه اطمینان رسیده است، گفت: باید از بعد تامین مالی بنگاه‌ها از ناحیه بازار سرمایه نیز به نقطه اعتماد برسیم، اما در این بین نگرانی عمده مطرح شده این است که آیا ما آمادگی پذیرایی از اعتماد مردم را داریم که آن‌ها سپرده‌ها را به بازار سرمایه بیاورند؟ که باید بگویم ما از هشت ماه قبل سعی کردیم این مطلب را جا بیاندازیم که تنها راه بازار ایران، شکل دادن به بازار سرمایه است و بازار سرمایه می‌تواند راه نجات اقتصاد ما باشد.

وی ادامه داد: ما باید به انتخاب مردم پاسخی دهیم که پایدار باشد یعنی امکان استفاده از این بازار را با افزایش عرضه اولیه، ابزارها و تنوع بخشی به انواع بورس‌ها ایجاد کنیم.

وزیر اقتصاد گفت: به برخی وزیران که در مجموعه وزارتخانه خود شرکت و بنگاه زیادی دارند گفتیم که بیاید اوراق قابل تبدیل به سهام عرضه کنید و از فرصت بازار سرمایه بهره ببرید.

دژپسند با بیان این که بازار انرژی و کالا را به بورس آوردیم، گفت: باید بازارهای دیگر مانند مسکن را نیز در بورس راه بیاندازیم و تنوع را در بورس ایجاد کنیم.

وزیر اقتصاد گفت: به کسانی که به بازار سرمایه می‌آیند باید آگاهی دهیم که برای ورود به این بازار حتماً به مشاوره نیاز دارند، زیرا آگاهی از بحث مالی بنگاه‌ها به مشاوره نیازمند است.



شرکت‌ها به کار گرفت. کما اینکه شرکت‌های بزرگ دیگری مثل تولیدکنندگان خودرو هم همین نظارت را نیاز دارند تا تجربه کنونی عایدشان نشود. مدیر مرکز اطلاعات و خدمات جامع چین در بخش دیگری از سخنانش گفت: کشورهایی که توانسته‌اند مردم و مدیران دارای سرمایه را مدیریت کنند، همیشه درست فکر کرده‌اند.

وی گفت: طبق اعلام کارشناسان اقتصادی در این مدت کوتاه سودهای کلانی نصیب بورس شده است و بایستی این سود در جامعه تاثیر به‌سزایی بگذارد و امیدوارم این بار این مدیران درست تصمیم‌سازی کرده باشند. خوش‌نوازا فزود: درست فکر کردن مدیران بعضی کشورها باعث شده نتایج خوبی بگیرند و برای هر موضوعی موفقیت حاصل کنند.

وی با اشاره به اینکه مدیران اجرایی فعلی کشور ما عکس این موضوع عمل می‌کنند اظهارداشت: بنده از موافقان کلیت نظام کشورمان هستم ولی در حال حاضر منتقد کسانی هستم که سوار بر کشتی سیاست، به نادرستی کارهای کشور را پیش می‌برند.

مدیرعامل شرکت چینستان از اتفاقاتی همچون ورود دوباره کارت بنزین و مسکن ملی به جای مسکن مهر نام برد و گفت: اینها همه مثال‌هایی برای عدم مدیریت درست در کشور ما است.

وی با اشاره به سیاست درست کشور چین در اداره امور اجرایی این کشور گفت: هرچالشی که در کشور ما وجود داشته باشد، بایستی از لحاظ آماری ۲۱ برابرش در چین وجود داشته باشد، اما به دلیل اشرافی که مدیران این کشور به مسائل دارند این آمار به شدت کنترل می‌شود، زیرا از قبل برای هر تصمیمی اندیشه شده است.

خوش‌نواز ادامه داد: چینی‌ها به این خاطر که هر کدام ساز خود را نمی‌زنند، توانسته‌اند با همسویی و هماهنگی، کشورشان را مدیریت کنند.

مدیر مرکز اطلاعات و خدمات جامع چین اظهار داشت: به دلیل عدم مدیریت مدیران فعلی دولت و به این علت که کارآفرینان تصویر دقیق و واضحی از آینده ندارند، مجبورند با چشم نیمه‌باز و بانگرانی در مسیر خود حرکت کنند. کاظم خوش‌نواز در گفت‌وگو با خبرنگار ما افزود: در شرایط فعلی کارآفرینان با آینده‌ای مبهم روبرو هستند.

وی با اظهار تأسف از اینکه در حال حاضر مدیران دولتی به درستی سر جای خود قرار نگرفته‌اند و دغدغه‌مند نیستند تصریح کرد: با این تفاسیر نمی‌توانیم برنامه‌ای دقیق و برنامه‌ریزی آینده‌نگرانه داشته باشیم، به این خاطر که بخشی از مدیریت ما به مدیریت جامعه متصل است.

مدیرعامل شرکت چینستان با اشاره به تب داغ بورس در شرایط فعلی نیز گفت: مردم جامعه ما به دو دسته تقسیم می‌شوند، دسته‌ای که سوار بر هر موجی می‌شوند و با آن حرکت می‌کنند که این موضوع به هر حال ریسک‌هایی را دربر دارد و عده‌ای هم هستند که صبر می‌کنند و با کمترین ریسک وارد یک جریان می‌شوند.

خوش‌نواز در ادامه بر تاکید بر بعضی از کارشناسان که به بورس وصل هستند، تب بورس را تشدید و تقویت می‌کنند، گفت: اما خیلی‌ها این موضوع را بازی مدیران دولتی می‌دانند.

وی افزود: برخی از کارشناسان اعتقاد دارند که این مساله، بازی مدیرانی است که می‌خواهند سرمایه‌های زیادی را برای مشارکت در بورس جمع‌آوری کنند. خوش‌نواز تصریح کرد: این افراد با باد کردن بادکنک بورس می‌خواهند برای خود موفقیت‌هایی را رقم بزنند، به این خاطر که آنها نتوانسته‌اند در حوزه‌های دیگر برای خود موفقیت کسب کنند.

مدیرعامل شرکت چینستان، فروش ۵ درصد از سهام شستا و ایجاد هیجان در بازار بورس را نوعی عوامفریبی دانست و گفت: این موضوع باعث شیشه‌ای شدن شستا در بورس نشد و بنابراین بایستی نظارت دقیق‌تری را برای اینگونه

کسانی سوار بر کشتی سیاست تصمیمات نادرستی می‌گیرند



میگن حبابه تا جهت سرمایه را به سمت خودشان کج کنند



عارف دریایی: بازار بورس این روزها آن قدر داغ است که ممکن است حرارتش خیلی ها را بسوزاند. بازاری که بسیاری از آن سربلند بیرون نمی آیند و آینده تاریکی پیش رویشان است و برخی هم با توجه به آشنایی قبلی، می توانند از نردبان محکم بورس به سلامت بالا بروند و موفق شوند. جواد فلاحیان، از جمله کسانی است که الفبای بازار بورس را خوب بلد است او در حال انتشار کتابی در همین زمینه است و تا قبل از این هم سالیان سال بوده که با کارنامه پر و پیمان خود در زمینه اقتصاد، یک فعال اقتصادی تمام عیار به شمار می آید. به نظر او بازار بورس بر خلاف تصویری که افراد دارند، بسیار تخصصی است و این اشتباه وجود دارد که مردم فکر می کنند با خرید هر سهم از بازار، می توانند کسب درآمد کنند، در حالی که بورس بسیار تخصصی است و نیاز به دانش کافی و جامع دارد. پیشنهادات این فعال اقتصادی هم جالب است، به نظر او کسانی که می خواهند وارد این بازار شوند، باید افرادی باشند که حداقل آموزش ها را دیده باشند. به این خاطر که کسی که بدون دانش وارد این بازار می شود، ممکن است در کوتاه مدت سود کسب کند، اما در بلند مدت قطعاً دچار مشکل خواهد شد.

فلاحیان که خودش یک دانش آموخته حرفه ای در ورطه بورس است اعتقاد دارد: سفته بازان گروه جدا نشدنی از بازار بورس بوده و همواره در بازارهای مالی حضور داشته اند. به نظر او شاید در ابتدا ذهنیت بدی در مورد این افراد باشد و در کوتاه مدت سودهای زیادی را به جیب بزنند، اما نکته ای که وجود دارد این است که ریسک معاملات این افراد بسیار بالا است و ممکن است که دچار ضرر و زیان هایی شوند و موارد بنیادی هم وجود دارد که شاید در نظر نداشته باشند و این بحث جدایی است.

به گفته فلاحیان کشور ما اکنون در شرایطی قرار دارد که تحریم های ظالمانه احاطه اش کرده اند و ما متأسفانه دچار هزینه های زیادی هستیم و برای جبران این هزینه ها و کسری بودجه و به عبارتی مشکلاتی که در دولت وجود دارد دو راهکار بیشتر نداریم، یک؛ چاپ پول و دوم استقراض از بانک مرکزی. این در حالی است که درآمدهای دولت از دو منبع بیشتر نیست؛ مالیات و نفت. تکلیف نفت که مشخص است و تقریباً به صفر رسیده و درآمدهای نفتی بسیار کاهش یافته و مالیات هم که نمی تواند کفاف این هزینه ها را بدهد. بنابراین به نظر می رسد بیشترین و مهمترین کاری که دولت می تواند انجام دهد فروش دارایی هاست که این هم از طریق بازار سرمایه انجام می شود. این فعال اقتصادی معتقد است: با این تفاسیر دولت باید در بازار سرمایه رونق ایجاد کند و اگر انتخابش استقراض از بانک مرکزی باشد، پای تورم پیش می آید و چون بورس هم تورم محور است، باعث رشد بازار بورس می شود.

به نظر فلاحیان فعلاً با شرایطی که کشور ما دارد چاره ای جز رشد بازار بورس ندارد، چرا که در سال ۹۹ دولت با سرعت زیادی در واگذاری دارایی ها و املاک در بازار روبرو بود و باعث شد که طی سه ماهه اول، شاهد رشد چشمگیری در بازار بورس باشیم.

وی همچنین از مخالفت خود با حباب بورس می گوید و ادامه می دهد: کلمه حباب را معمولاً فعالین بازارهای موازی، مثل بازار طلا و دلار و مسکن مطرح می کنند، چون رشد چندانی در این بازارهای موازی نداشته ایم؛ در صورتی که این طور نیست و فعلاً با توجه به وضعیت کشور ما ارزش جایگزین بسیاری از شرکت ها افزایش یافته و از سویی دیگر هزینه هایی که این شرکت ها متحمل شده اند باعث شده که افزایش قیمت بسیاری پیدا کنند، اما نکته ای که وجود دارد، این است که به هیچ وجه حبابی در حوزه شرکت هایی که در بازار بورس هستند، وجود ندارد. البته بماند که برخی از شرکت ها ممکن است بالاتر از ارزش واقعیشان در حال معامله باشند و خیلی ها این موضوع را حباب بدانند، اما در کل همیشه قیمت سهام شرکت ها در بورس بالاتر از ارزش واقعی آنها است و این هم یکی از ماهیت های این بازار است و تصمیم با سرمایه گذار است که آیا این سهم را خرید کند یا خیر؟ بنابراین به هیچوجه حبابی در بازار وجود ندارد.

فلاحیان در پاسخ به این سوال که به نظر شما چرا در زمانی که همه کشورها با افت بورس روبرو هستند کشور ما با تب بالای بورس روبرو است؟ می گوید: این موضوع یک دلیل بیشتر ندارد؛ اولاً بورس ما وابسته به بازارهای جهانی نیست، البته ممکن است در بخشی از کالاها به بازارهای جهانی متصل باشیم، ولی با توجه به بحث تحریم ها که باعث شده که وابستگی ما به شدت کم شود، بورس ما محدود به تورم شده و هر چه تورم بالاتر برود بورس هم رشد می کند و مستثنی از این مقوله نیست و با توجه به شرایط کسری بودجه دولت و هزینه هایی که دولت متحمل شده همواره با تورمی در کشور روبرو بوده ایم که سبب شده رشد بازار سرمایه را در بر داشته باشد، بنابراین برخلاف کشورهایی که بورسهایشان بر اساس موانع اقتصادی، تولید و اشتغال رشد می کند، مبنای رشد بورس ما تورم است و عملاً از نظر بنیادی در اقتصاد اتفاقی نمی افتد. شاید به همین خاطر است که در کشور ما بورس رشد کرده، اما رونقی در صنعت و اشتغالی به وجود نیامده است.



دریا قدرتی پور

به خاطر یک مشت سهام همبازی بورس نشویم

این روزها همبازی بورس شده ایم، به خاطر سرمایه ای که تا حالا سرگردان بود و قرار است پس از این سرش بر بالین بورس باشد. حالا چه بخواهیم و چه نخواهیم تنها گفتمار روزمره و نقل محافلمان بورس است. بورسی که حتی به سهام عدالت هم رحم نکرده و امپراطور این روزهای بازار سرمایه شده است.

بازی یک بام و دو هوایی که برخی بر سر آن توافق دارند و برخی می گویند این همه جار و جنجال بر سر بورس کاری است بی معنی. از یک طرف دولت است و از طرف دیگر برخی از فعالان اقتصادی که اعتقاد دارند این همه تبلیغات کاری نادرست است و مانند حیابی است که معلوم نیست تا کی دوام می آورد و ممکن است هر لحظه بترکد. با این اوصاف، سیاست بورسی، بهترین ادبیات برای روزهایی است که از همه چیزمان می زنیم تا سرمایه ای اندک برای بورس بازی تهیه کنیم و قیمتش چند برابر شود.

هر چند خیلی ها می گویند به این شکل نگاه کردن به بازاری که سرمایه های کلان در آن رد و بدل می شود، نگاهی است سطحی و قابل استناد نیست.

اما زمانی که بورس به دست سفته بازان می افتد، این بازار مفهوم دیگری پیدا می کند، مفهومی که باعث می شود سودجویان از آب گل آلود و هوای غبارآلودی که راه انداخته اند سودهای آنچنانی ببرند. واقعیت هم این است که اگر سفته بازی در یک بازار اقتصادی به شکل گسترده رایج شود، ممکن است به سلامت آن بازار لطمه جدی وارد شود. گرچه برخی هم عکس این موضوع را قبول دارند و می گویند ورود این افراد به بورس، نقدینگی بازار را فراهم کرده و فاصله بین قیمت پیشنهادی خرید و فروش را کم می کند. همچنین تولیدکنندگان را قادر می کند تا ریسک قیمت محصولات خود را پوشش دهند.

به هر حال باید این نکته را بپذیریم که کشور ما در اشکال مختلف به واسطه تحریم ها دچار مشکلات جدی شده است، اما این دلیلی بر این نیست که همه اشکال زندگی اکثریت قشرهای جامعه را دربرگیرد، بلکه به این خاطر است که مردم ما عمدتاً اطلاعاتشان را از رسانه هایی می گیرند که یا غیر رسمی هستند و یا کانال هایی هستند که در تلگرام می خواهند با ایجاد تنش سودی را به جیب بزنند. این کانال ها که در فضای تلگرام مشغول فعالیت هستند با انتشار رقم هایی عجیب و غریب و نوسان دار نشان دادن بازار بورس در واقع بار زیادی از بازی رسانه ای در پازل کسانی که می خواهند آرامش مردم را برهم بزنند را بر دوش می کشند. شاهد این ماجرا هم مشخص است، قیمت هایی که در بازار رسمی وجود دارد و قیمت های بسیار بالاتری که در دهان ها می چرخد و با افکار مردم بازی می کند.

قیمت های بی سندی که دست بردار نیستند و گاهی ممکن است بازار سرمایه های مردم را در خطر بیاندازند و حبابی ایجاد کنند که مشکلات بعدی را بیشتر کند. اینها همه در حالی رخ می دهد که گویا در این وضعیت، نظارتی هم بر این تبلیغات نیست و هر کس راه خودش را می رود و هر کسی پیامی می دهد، حالا چه مخالف و چه موافق باشد فرقی نمی کند و از سر اعتقادات خود نقشی جدید به بازاری می دهد که معلوم نیست سر و تهش در فضای مجازی به کجا برسد.



مواظب باشیم از هول حلیم توی دیگ نیفتیم

زهره والی پور

یادش بخیر روزی که برای خرید یک ماشین دست دوم به یک معاملاتی ماشین سر می زدیم، می گفتند: برای خرید یک ماشین ۲۰ فاکتور را نیاز است که بدانی و ما نمی دانستیم که از بین همان ۲۰ فاکتور چند تا را بلدیم و چند تا بلد نیستیم. حالا که پس از سال ها می خواهیم پا در بازار بورس بگذاریم، تقریباً همان اتفاق افتاده با اختلاف اینکه زمان ماشین خریدن حداقل یکی دو تا فاکتور را می دانستیم ولی الان الفبای بورس را هم بلد نیستیم. اما پیشنهادات فریبنده بازار بورس داغ داغ است. بازاری که خیلی ها می گویند، گاو نر می خواهد و مرد کهن.

پس نباید به بورس با نگاهی سطحی و گذرا نگرست، بورس ریسک پذیری بالایی دارد و کارشناسان و فعالان بازار بورس بر این باورند که بورس جای پیچیده ای است، سرمایه گذاری در آن حوصله و تخصص می خواهد، بنابراین عموم مردم و افرادی که با بورس آشنا نیستند، چون از این ویژگی ها اطلاع ندارند، بهتر است کمی درباره آن اطلاعات کسب کنند.

بورس دیگر مثل آن ماشین دست دومی نیست که ما می خواستیم بخریم؛ برای خرید و فروش سهام آیم های زیادی وجود دارد که اگر در آنها خبره نباشی بازی را باخته ای.

جالب اینجاست که گاهی یک هول اقتصادی آنقدر هیجانی می شود که از دست ما خارج می شود. هول می کنیم برای سود بیشتر، هول می کنیم برای پول بیشتر، هول می کنیم برای اینکه سرمایه نداشته مان را چندبرابر کنیم و گاهی همان شندرغاز هم از دستمان می رود. خلاصه اینکه ما مردم هیجانی هستیم که همیشه در آشفتگی، زندگی می کنیم.

یادش بخیر دوستی می گفت اثر اجتماعی باید فرزند زمانه خودش باشد، اما چه باید کرد، وقتی سرعت زمانه خیلی غیرمجاز تر از چیزی است که بتوان به آن رسید. ترمز بریدن بورس هم به همین شکل است، وقتی در عرض یکی دو ماه و زمانی که بورس تمامی کشورها و از جمله وال استریت با سقوط سنگینی روبرو شده چطور بورس کشور ما با اینهمه مشکلات جورواجور باید یک تاز میدان شود؛ آن هم در زمانی که ماشین ۵۰ میلیونی شده ۹۰ میلیون و طلا حکم کیمیا را پیدا کرده و سکه قرار است مرز ۷ میلیون تومان را هم درنوردد. نمی دانم با چنین سرعتی چطور می شود از اقتصاد عقب نماند. سرعت لاک پشتی که ما با آن سر و کار داریم و اقتصادی که از چله کمان خیلی وقت است پرتاب شده است، واقعاً مجال رسیدن را می دهد؟! یا قرار است از هول حلیم در دیگ آشپزباشی بیفتیم؟



مواظب جریان سازان بورسی باشید

آمادگی هلدینگ پارس پندار نهاد جهت ورود به بازار بورس تهران در آینده ای نزدیک سبب شد تا نظر مدیرعامل آن در باره حال و هوای امروز بازار بورس، مزیت ها و چگونگی ورود شرکت های کارآفرین به بازار بورس را جویا شویم.

میثم شکری ساز ، با اشاره به اینکه بورس می تواند مقوله موثری در اقتصاد شمرده شود گفت: متأسفانه گاهی بعضی افراد سودجو از آب گل آلود استفاده می کنند و سوار بر بازار سهام می شوند و مردم را تشویق می کنند که سهامی که آنها تبلیغ می کنند را بخرند و این موضع می تواند در درازمدت به ضرر بورس باشد. مدیرعامل هولدینگ پارس پندار نهاد افزود: وقتی شرکتی وارد بورس می شود، شفافیت پیدا کرده و تا حد زیادی از فساد مالی جلوگیری می شود. به گفته وی اگر دستگاه های دولتی و بخش های خصوصی وارد بورس شوند، گردش مالی مشخص شده و می تواند اتفاقات خوبی را رقم بزند. مدیرعامل هولدینگ پارس پندار نهاد با تاکید بر اینکه بورس به بقا و دوام شرکت ها کمک می کند گفت: با وجود بورس، شرکت ها می توانند از حالت قائم به شخص بودن بیرون بیایند.

وی ادامه داد: در این حالت چون منافع جمعی به میان می آید و سهامداران آن شامل خود مردم می شوند، دوام شرکت نیز پایدارتر خواهد شد. به این خاطر که در حالت عادی سهامدار شرکت یک نفر است و ممکن است با نبود آن شخص، شرکت هم از بین برود. شکری ساز، وارد شدن شرکت ها به بورس را اتفاقی میمون و مبارک دانست که می تواند در بحث نظارت و کنترل دولت در زمینه واردات نقش موثری داشته باشد. مدیرعامل هولدینگ پارس پندار نهاد ادامه داد: با ورود به بورس دیگر شرکت ها نمی توانند از مالیات فرار کنند و کتمان مالیاتی عملاً حذف خواهد شد. وی اتفاق خوب دیگری که با وارد شدن شرکت ها به بورس می افتد را دریافت تسهیلات برشمرد و تصریح کرد: این به این معنی است که بسیاری از شرکت ها نیاز به وام های مختلف دارند و بنابراین اگر شرکتی شفاف عمل کند، می تواند به راحتی با دریافت تسهیلات پروژه هایش را توسعه دهد. به گفته این کارآفرین، ارزش گذاری شرکت از جمله دیگر مزایای بورس است که با واگذاری شرکت به شخص دیگر، برند آن که سال ها برای آن زحمت کشیده شده از بین نمی رود.

عضو اتاق بازرگانی ایران در ادامه نیروی انسانی شرکت ها را ثروت آنها دانسته و گفت: گاهی شرکت ها چندین سال نیروهایشان را آموزش می دهند و این در حالی است که وقتی شرکت مذکور واگذار می شود، تنها تجهیزاتش ارزش گذاری می شود و نیروی انسانیش مغفول می ماند.

وی ادامه داد: اما با وارد شدن همان شرکت به بورس، برنش حفظ شده و قیمتی منطقی و معقول پیدا می کند.

مدیرعامل هولدینگ پارس پندار نهاد با اظهار تأسف از اینکه کشور ما باید از خیلی وقت پیش وارد این مقوله می شد، تصریح کرد: در حقیقت وجود بورس امری لازم و ضروری است. شکری ساز در ادامه با اعلام اینکه در کشور کانادا، حتی سهام یک کسب و کار کوچک هم در بورس عرضه می شود و همه چیز در شفافیت کامل به سر می برد، گفت: این در حالی است که در کشور ما بسیاری از کارخانجات صنعتی، خودرو سازی و ... هنوز به صورت خصوصی و به شکل سهامی خاص اداره می شوند و این موضوع ضعف بزرگی به شمار می رود. وی در ادامه در پاسخ به این سوال که آیا شما هم با این موضوع که شاخص بورس حباب دارد موافق هستید یا خیر اظهار داشت: بله با این موضوع موافق هستیم، به این خاطر که حجم زیادی از نقدینگی وارد بورس شده است و این موضوع نگرانی هایی را هم ایجاد کرده است. شکری ساز تصریح کرد: بورس به نوبه خود هیچ نگرانی ندارد و مانند چاقوی دوله ای است که هم می توان از آن استفاده مفید کرد و هم در مجرای نادرست قرار بگیرد.

این کارآفرین تصریح کرد: اتفاقی که این روزها برای بورس افتاده این است که برخی از شرکت ها از سه ماه پیش تا کنون بدون اینکه رشدی داشته باشند، سهامشان چندین برابر شده و این موضوع به واسطه بالا رفتن حجم نقدینگی در بورس یا همان حبابی است که شکل گرفته است.

وی ادامه داد: اساساً با خود بورس موافق هستیم، اما آنچه که بورس را خطرناک می کند این است که گاهی سودها به جیب یک عده ای سودجو و کلاه بردار می رود. مدیرعامل هولدینگ پارس پندار نهاد با اعلام اینکه عده ای سودجو از آب گل آلود استفاده می کنند و سوار بر سهام می شوند و مردم را تشویق می کنند که سهامی که آنها تبلیغ می کنند را بخرند گفت: به هر حال قانون عرضه و تقاضا وجود دارد و هر چیزی که تقاضا برایش زیاد شود، قیمتش بالاتر می رود و فرد فکر می کند که در حال سود کردن است.

وی افزود: به هر حال تقاضا خود باعث افزایش قیمت شده و در این میان یکسری به عنوان جریان ساز سهام می خردند و سهم گردانی می کنند و با ایجاد بازار روانی وقتی سودشان به مرحله اجرا رسید، به یکباره سهامشان را می فروشند و از این طریق افراد دیگر را متضرر می کنند.

شکری ساز با تاکید بر اینکه حتی یک رانندگی ساده هم نیاز به آموزش دارد چه برسد به بورس، اظهار داشت: بورس نیاز به آموزش های فاندمنتال و تکنیکال دارد و جای تأسف است که بسیاری تنها با ثبت یک شرکت ورشکسته بدون اینکه فعالیت خاصی انجام بدهند از بازار بورس سهم زیادی می برند.

مدیرعامل هولدینگ پارس پندار نهاد در ادامه با اعلام اینکه طی جلساتی که با وزیر اقتصاد داشتیم، بنا بر این شد که قبل از اینکه به افراد کد بورسی بدهند، آموزش هایی را پشت سر بگذارند گفت: این پیشنهاد مورد استقبال قرار گرفت و امیدواریم در این زمینه موفقیت های لازم را کسب کنیم.

وی تاکید کرد: همه شرکت هایی که بخش خصوصی قوی دارند، بورس قوی خواهند داشت، با توجه به اینکه با وجود تحریم های ظالمانه و کاهش فروش نفت، ما راهی به جز اتکا به درون نداریم.

شکری ساز ادامه داد: اگر شرکت های دولتی و خصوصی درست هدایت شده و به شکل جدی وارد بورس شوند، شاهد فضایی همچون کشورهای توسعه یافته ایجاد خواهد شد و بورس ایران شاهد آینده فوق العاده ای می شود.

وی در رابطه با ورود شرکت های دانش بنیان به بورس نیز گفت: این شرکت ها در بورس تابلو ویژه ای دارند و با توجه به اینکه دنیا به سمت اقتصادی با ارزش افزوده بالا و متریال کم در حال حرکت است، بنابراین این موضوع می تواند بازده بالایی دربر داشته باشد. شکری ساز در پایان اظهار داشت: اگر نخبه ها بتوانند الزامات بورس را ایجاد کنند و به سمت فرابورس بروند، آینده خوبی در انتظارشان خواهد بود.



آنچه که بورس را خطرناک می کند این است که گاهی سودها به جیب یک عده ای سودجو و کلاه بردار می رود. یکسری به عنوان جریان ساز سهام می خردند و سهم گردانی می کنند و با ایجاد بازار روانی وقتی سودشان به مرحله اجرا رسید، به یکباره سهامشان را می فروشند و از این طریق افراد دیگر را متضرر می کنند. این جای تاسف و تعجب را دارد که بسیاری تنها با ثبت یک شرکت ورشکسته بدون اینکه فعالیت خاصی انجام بدهند از بازار بورس سهم زیادی می برند.

دکتر آمریکا

علیه

واکسن

کووید ۱۹



امیر پیام:

چرا آنتونی فاوچی، رئیس مرکز کنترل بیماری‌های عفونی و آلرژی ایالات متحده که این روزها «دکتر آمریکا» لقب گرفته بدون واژه با اظهارات رئیس خود، دونالد ترامپ، بر سر کرونا مخالفت می‌کند؟ و در حالی که همه منتظر آماده شدن واکسن کووید ۱۹ هستند چرا مخالفان واکسیناسیون از اکنون داد مخالفت علیه واکسن کرونا سر داده‌اند؟

در چند هفته گذشته که تجمع‌های اعتراضی در چندین ایالت آمریکا علیه محدودیت‌های کرونا برگزار شده، حضور دو گروه در میان معترضان عادی بیشتر به چشم می‌خورد؛ گروه‌های راست افراطی که بعضاً مسلحانه به این تجمع‌ها می‌آیند و گروه‌های مخالف واکسیناسیون.

رهبران این گروه دوم در دو ماه گذشته و از زمان آغاز قرنطینه‌های کرونا در آمریکا دوباره تحرک بیشتری گرفته‌اند و آن طور که پیترو جیمیسون در گزارشش برای واشنگتن پست نوشته «آنها با استفاده از ترس و اضطرابی که این روزها حاکم شده تلاش دارند جایی در گفتمان عمومی برای خود باز کنند به ویژه این که در چند سال گذشته با پیوستن ایالات بیشتری به قوانینی که از اجباری شدن واکسیناسیون کودکان حمایت می‌کند، احساس ناکامی می‌کردند.»

واشنگتن پست نوشته: «اگر چه حضور مخالفان واکسن در تجمعات ضد قرنطینه بیشتر به چشم می‌خورد اما رهبران و هماهنگ کنندگان این تجمعات، و رای شعارنویسی و پلاکارد آماده کردن، به روش‌هایی که کمتر تقابل جویانه است رو آورده‌اند و با استفاده از اضطراب معمول والدین به هنگام آغاز واکسیناسیون کودکان، تلاش دارند این تئوری را بسط دهند که اجرای قرنطینه‌های کرونا شاهد دیگری است بر تلاش حکومت برای دست درازی به آزادی‌های بهداشتی آمریکاییان.»

پیترو جیمیسون برای نمونه به اظهارات اخیر اندرو ویکفیلد، پزشک ممنوع‌الکار و لغو پروانه شده بریتانیایی اشاره کرده که گفته: «ترس یکی از اصلی‌ترین ابزارها برای جا انداختن واکسیناسیون اجباری است و در این روزها که ویروس کرونا اپیدمی شده به طرز بی سابقه‌ای شاهد سوءاستفاده از ترس عمومی هستیم.»

اندرو ویکفیلد که در دهه ۹۰ در بریتانیا پزشک بود پس از آن که معلوم شد برای تحقیق درباره ارتباط واکسن سه گانه سرخک، اوریون و سرخچه با اوتیسم، موازین اخلاقی پژوهشی را رعایت نکرده و با خون گرفتن از کودکانی که به جشن تولد فرزندش آمده بودند نتایجی فاقد پایایی و روایی را در مقاله خود در مجله لئست گنجانده، از سوی نظام پزشکی بریتانیا اخراج و پروانه پزشکی او لغو شد. مجله معتبر علمی لئست هم مقاله آقای ویکفیلد را حذف کرد.

او کمی بعد از بریتانیا به آمریکا مهاجرت کرد و در چند سال گذشته با سخنرانی، نوشتن کتاب و تهیه فیلم در میان مخالفان واکسیناسیون به چهره‌ای شاخص بدل شده است. اندرو ویکفیلد مشغول تهیه یک فیلم دیگر علیه واکسیناسیون است. سخنرانی و فروش فیلم اصلی‌ترین منبع درآمد او عنوان شده است. از دیگر چهره‌های شاخص میان گروه‌های مخالف واکسن در آمریکا، رابرت اف. کندی جونیور، برادرزاده جان اف. کندی، رئیس جمهوری فقید آمریکا است که معمولاً در تجمع‌های بزرگ مخالفان واکسیناسیون حاضر می‌شود و اجباری بودن تزریق واکسن را ناقض آزادی‌های مدنی آمریکا می‌داند.

واشنگتن پست در گزارش خود به سمینار آنلاینی که تحت عنوان «اجلاس آزادی سلامت» برگزار شد و هر دو چهره، یعنی رابرت اف. کندی جونیور و اندرو ویکفیلد در آن سخنرانی کردند اشاره کرده و نوشته: در حالی که دسترسی محدود برای همگان رایگان بود حدود ۳۰ هزار نفر در آن شرکت کردند، کسانی که می‌خواستند حضور کامل در این سمینار داشته باشند باید ۶۹ دلار می‌پرداختند. الن نیومن، کسی که مجری و میزبان این رویداد آنلاین بود در مصاحبه‌ای گفته او این سمینار را با کمک یکی از دوستانش و با هزینه شخصی‌اش راه اندازی کرده بود چرا که «نگران است آمار و اعداد مربوط به کرونا از سوی دولت و رسانه‌ها اغراق شده باشد تا در نهایت کارخانجات ساخت واکسن به سودآوری هنگفتی برسند.»

گزارشگر واشنگتن پست نوشته سخنرانان این سمینار آنلاین هر کدام به نظریه‌های توطئه مختلفی که در گوشه و کنار آمریکا این روزها شنیده می‌شود اشاره کرده‌اند و حتی راه‌های تایید نشده برای پیشگیری از کرونا را نیز توصیه کرده‌اند.

از جمله قرار گرفتن در برابر نور مستقیم خورشید یا مصرف فراوان ویتامین‌هایی چون زینک (روی). برخی هم درباره نشانگان بروز کرونا و تردید از علل شکل‌گیری آنها گفته‌اند؛ مانند آلودگی با پلوتونیوم ناشی از سقوط یک ماهواره روی زمین. حتی بعضی از شرکت‌کنندگان در این سمینار بدون ارائه مدرکی ادعا کردند که به برخی از آمریکایی‌ها به اجبار نمونه‌هایی آزمایشگاهی واکسن کرونا تزریق شده است.



موافقان نظریه توطئه چه می گویند؟

«بسیاری از سخنرانان دوباره به سراغ بیل گیتس، مدیرعامل سابق مایکروسافت و میلیاردر انسان دوست، رفتند. بیل گیتس که در دو ماه گذشته یکی از صداهای اصلی برای پیشگیری، کنترل و درمان کرونا بوده و از طریق بنیاد خیریه خود برای درمان کرونا سرمایه گذاری کرده، از سوی مخالفان واکسیناسیون مانند همیشه هدف قرار گرفته که در شکل گیری شیوع کرونا نقش داشته تا از طریق ساخت واکسن و داروی آن پول هنگفتی به دست آورد و همزمان از این فرصت برای ردگیری و نظارت بر همه مردم جهان استفاده کند.»

فعالیت مخالفان واکسیناسیون در آمریکا به اندازه تاریخ واکسیناسیون قدمت دارد. بخش بزرگی از آنها والدین مضطرب و گاه دارای فرزندان بیمار هستند که نشانگان بیماری کودکان آنها اکثراً همزمان با تزریق واکسن های خردسالی ظهور یا شدت یافته است. همزمان همراهی برخی چهره های مشهور چون رابرت اف. کندی جونیور و رابرت دنبرو، هنرپیشه سرشناس هالیوود با این گروه ها در جلب توجه رسانه ها کمک کرده است.

از زمان آغاز شیوع ویروس کرونا، بسیاری تئوری پردازان توطئه بدون ارایه شواهد و مدارک درباره سرمنشاء این اپیدمی و راه های مقابله با آن سخن گفته اند. وبسایت گلوبال سرچ که مالک آن میشل چاسادوسکی، اقتصاددان و از مروجان مشهور نظریات توطئه در کانادا است، طی چند هفته گذشته تمامی تئوری های نخست خود را به آنچه «تهدیدهای کرونا علیه بشریت و برنامه های بیل گیتس برای استیلا بر همه جهانیان» خوانده اختصاص داده است. این وبسایت در یکی از چهار گزارش اصلی خود به مصاحبه اختصاصی با رابرت اف. کندی جونیور پرداخته که طی آن این چهره سرشناس آمریکایی ضمن متهم کردن بیل گیتس به «تلاش برای جلو بردن نیت خود در سایه کمک به مقابله با کرونا»، رسماً خواستار تحقیق قضایی درباره بنیاد خیریه گیتس شده است. گلوبال سرچ که دانشنامه عمومی و یکی پدیا آن را در فهرست هرزنامه های خود قرار داده و اجازه نمی دهد در هیچ مدخلی از مقالات این وبسایت به عنوان منبع استفاده شود به هفت زبان از جمله عربی منتشر می شود و در ایران هم یکی از منابع اصلی وبسایت هایی چون «طب شیعه» است که مدعی ارایه طب سنتی و برگرفته از آموزه های اسلامی است.

برای مثال، وبسایت طب شیعه در یکی از اصلی ترین مقالات خود علیه واکسیناسیون تحت عنوان «واکسن: ایمنی یا ایمنی زدا» دست کم ۶ بار به وبسایت گلوبال سرچ که دفتر آن در مونتreal کانادا است استناد کرده است.

طب شیعه یکی از وبسایت های فعال در ایران است که مدعی طبابت بر اساس روش های سنتی و مذهبی است در بخش بازخوردهای همین وبسایت مخاطبان «طب شیعه» یکدیگر را تشویق به دیدن مستند «وکسد» (Vaxxed) می کنند که تهیه کننده آن کسی نیست جز اندرو ویکفیلد، پزشک لغو پروانه شده بریتانیایی که اکنون یکی از چهره های طرد شده در محافل آکادمیک اما مشهور میان مخالفان واکسیناسیون و رسانه های مروج نظریه های توطئه است.

او که فیلم مستندگونه وکسد را در سال ۲۰۱۶ تولید کرد امیدوار بود با بروی پرده رفتن در جشنواره معروف ترابیکا آن را در سطح گسترده در آمریکا و جهان به نمایش بگذارد.

در آن سال اگر چه در ابتدا رابرت دنبرو، هنرپیشه معروف هالیوود و از موسسان این جشنواره از این فیلم حمایت کرد، اما تنها یک روز مانده به موعد پخش آن رابرت دنبرو گفت که ترابیکا از نمایش این فیلم منصرف شده چرا که پس از مشورت با کارشناسان و دیگر جشنواره های مطرح جهان آن را برای رواج گفتگو درباره مزایا و معایب واکسیناسیون سودمند نیافته است.

تئوری های توپنه

از شرق تا غرب



پاشنه آشیل ترامپ در نظام درمانی آمریکا

درست در میان مناقشه‌ای که میان کاخ سفید و پکن بر سر منشاء پیدایش ویروس جدید کرونا شکل گرفته، نشریه نشنال جغرافی در مصاحبه‌ای اختصاصی با دکتر آنتونی فاوچی، از نقل این بالاترین مقام پزشکی و متخصص عفونی دولت آمریکا تیتراژ زده که «هیچ گواه علمی مبنی بر منشاء آزمایشگاهی ویروس کرونا وجود ندارد». دکتر فاوچی در این گفتگو به صراحت آب پاکی را روی دست سیاستمداران و تحلیل‌گرانی می‌ریزد که در دو هفته گذشته بارها از وجود شواهد برای نقش آزمایشگاه فوق حساس ویروس‌شناسی ووهان در آغاز همه‌گیری کرونا سخن گفته‌اند؛ از جمله دونالد ترامپ که هر روز با دکتر فاوچی در ستاد مقابله با کرونا کاخ سفید دیدار می‌کند و گاه این دو کنفرانس‌های خبری روزانه درباره آخرین اقدامات دولت فدرال را در کنار هم برگزار می‌کنند.

او به نشنال جغرافی گفته: «اگر به نحوه تکامل این ویروس در خفاش‌ها توجه و همچنین به شواهد و مدارک موجود نگاه کنید، متوجه می‌شوید که همه چیز قویا موید این است که این ویروس در طبیعت سیر تکاملی خود را طی کرده نه این که ساخته دست بشر باشد و یا عامدانه دست‌کاری شده باشد.»

او همچنین برای نظریه آلترناتیوی که می‌گوید ویروس جدید کرونا ساخته دست بشر نیست اما از خفاش‌هایی که در طبیعت زندگی می‌کنند به آزمایشگاه (ووهان) و از آنجا تصادفاً به بیرون سرایت کرده، اعتباری قایل نیست.

این نخستین بار نیست که از زمان بالا گرفتن شیوع ویروس کرونا در آمریکا، دکتر فاوچی در گفتگو با رسانه‌ها موضعی کاملاً مغایر دونالد ترامپ اتخاذ می‌کند. شاید به همین دلیل است که دوربین‌ها حتی وقتی دونالد ترامپ پشت تریبون است، کادرشان را طوری تنظیم می‌کنند که عکس‌العمل‌ها و زبان بدن دکتر فاوچی را به هنگام پاسخ‌های رئیس‌جمهوری آمریکا از دست ندهند.

به علت همین صراحت لهجه و اصرار دکتر فاوچی بر پشتوانه علمی داشتن برای هر نظری است که در یک ماه گذشته بارها رسانه‌های آمریکایی تاریخچه زندگی او را منتشر کرده‌اند و در مواردی هم تلاش کرده‌اند که او و دونالد ترامپ را برابر هم قرار دهند.

آنتونی فاوچی، فرزند یک زوج ایتالیایی تبار است که در بروکلین نیویورک داروخانه داشتند و به طور خانوادگی آن را اداره می‌کردند؛ به طوری که او در یکی از سخنرانی‌هایش برای فارغ التحصیلان دانشکده محل تحصیل خود گفته بود از وقتی که می‌توانسته دوچرخه‌سواری کند پدرش او را برای ارسال داروها به در خانه بیمارانش می‌فرستاده است.

اما جالب‌ترین قسمت تاریخچه زندگی دکتر فاوچی احتمالاً به روزی باز می‌گردد که او به عنوان دانشجوی تازه وارد رشته فلسفه یونان، ناچار بود برای تأمین مخارج دانشگاه تابستان‌ها به عنوان کارگر ساختمانی کار کند و یک روز وقتی با همان سرو صورت خاکی در تالار دانشکده پزشکی دانشگاه کرنل ایستاده بود و محو آن شده بود نگاهیان از او پرسید که اینجا چه کار داری؟ و او پاسخ داد که در حال واریسی دانشکده‌ایست که بنا دارد سال آینده در آن درس دکتری بخواند. نگاهیان که به سر و صورت و کفش‌های گل‌اندود و قامت کوتاه آنتونی جوان خیره شده بود با لبخندی او را مسخره کرد و در حالی که راه خروج را نشان می‌داد گفت: «باشه جوون! تا سال دیگه من هم کمیسر پلیس میشم.»

آنتونی فاوچی سال بعد در همان دانشگاه تحصیل پزشکی را آغاز کرد و در سال ۱۹۶۶ به عنوان شاگرد ممتاز از دانشگاه کرنل فارغ التحصیل شد.

او ۳۶ سال است که مدیریت مرکز بیماری‌های عفونی و آلرژی آمریکا را بر عهده دارد؛ یعنی از زمان رونالد ریگان پایش به کاخ سفید باز بوده.

با این همه، آغاز شهرت عمومی او به زمان اپیدمی اچ‌آی‌وی/ایدز باز می‌گردد که ابتدا همجنس‌گرایان او را دشمن درجه یک خود خواندند و علیه‌اش تظاهرات کردند اما او با تغییر نگرش نسبت به همجنس‌گرایان به زودی تبدیل به قهرمان دگرباشان جنسی شد و در مبارزه با ایدز به عنوان قابل اعتمادترین مقام دولت آمریکا شناخته شد.

آنتونی فاوچی در چهار دهه گذشته مدیریت بحران‌های متعددی چون ایدز، آنفلوآنزای مرغی، سارس، مرس، آنفلوآنزای خوکی و در این اواخر زیکا و ابولا را بر عهده داشته و شاید همین سابقه طولانی در کنار تجربه کار کردن با ۵ رئیس‌جمهور مختلف به او اعتماد بنفسی داده که با اتکاء به آن «قاطی بازی سیاستمداران نمی‌شود».





کرونا پارتی فاجعه این روزها

جشن دلتنگی

دریا قدرتی پور: حومه شهر، حاشیه هایی که میزبان باغ های پنهان شده اند تا در روزهایی که هنوز کرونا با ما دست و پنجه نرم می کند، جشن کرونا پارتی برگزار شود. بیشتر خانواده ها خبر ندارند که جوان هایشان در این پارتی های شبانه شرکت می کنند. جوان هایی که تفریح را به فاجعه تبدیل می کنند. ورودی ها اما یکسان نیست. ورودی های این روزهای پارتی ها، بسته به پک هایی است که برای جلوگیری از کرونا تهیه شده است.

گران ترینشان بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان و ارزان ترینشان ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان ورودی دارد. پارتی های شبانه محلی هستند برای انجام کارهایی که قانون اجازه نمی دهد.

افزایش پارتی های شبانه در باغ های اطراف کلان شهرها این روزها زنگ خطری است که به صدا در آمده است. بررسی ها این موضوع را به خوبی بیان می کند که بسیاری از جوانانی که در این مهمانی ها شرکت می کنند، فرار از مشکلات و دمی شاد بودن را بهترین دلیل برای حضور در این جشن ها عنوان می کنند و برای خنده و سرگرمی دور هم جمع می شوند. ولی ساعات پایانی این جشن ها همه گوشه ای نشسته و از حال رفته اند.

حضور دختران و پسران جوان که با نهایت تأسف باید نوجوانان را هم به آنها اضافه کرد؛ در این باغها آنان را به مرز بی قید و بندی می کشاند، به طوری که دیگر گویا خبری از کرونا در این میهمانی های شبانه نیست.

بسیاری از جوانان برای ماجراجویی هم که شده سعی می کنند این جشن ها را تجربه کنند؛ در غفلت مسئولان فرهنگی که همیشه خوب حرف می زنند و تترهای خوبی می گویند، جوانان با حضور در این جشن های پر تجمل هر از چند گاهی در صدر قربانی هایی قرار می گیرند که این روزها آمارشان در ابتلا به کرونا افزایش یافته است. در این میان مسئولان نیروی انتظامی اعتقاد دارند که اینگونه پارتی ها حداقل در اصفهان وجود ندارد. به گفته سرهنگ درستکار اگر موردی

ببینیم حتما هشدارهای لازم داده می شود. اما این پارتنی ها زیر پوست شهر مخفیانه و پنهانی وجود دارد، پنهان از دیدها و پنهان از قانون. میهمانی هایی که این روزها تنها با تب گرفتن ساده افراد را مجاب می کند که به کرونا مبتلا نمی شوند. ورود به میهمانی هم ساده است، با واریز مبلغی پول فرد به منازلی شخصی می رود و تست کرونا می دهد و بعد از دو یا سه روز می تواند به میهمانان بپیوندد.

حالا شهر بزرگ و کوچک نمی شناسد؛ در اکثر شهرها، در طول هفته خانه هایی هستند که میزبان میهمانی های ممنوعه هستند که قرنطینه و فاصله های اجتماعی را به سخره گرفته اند و این میهمانی ها تفریح گاه خوبی شده برای جوان هایی که بعد از یکی دو ماه در خانه ماندن حالا این ممنوعه ها برایشان جذاب است و یادشان رفته که کرونا از رگ گردنشان هم به آنها نزدیکتر است.

به گفته فروزان ایراندوست، روان شناس دلایل مختلفی برای اینکه برخی از مردم کرونا را جدی نمی گیرند و همچنان به گشت و گذار در شهر می پردازند، وجود دارد: «از دلایل روان شناختی این موضوع یعنی کم توجهی بخشی از جامعه به هشدارها و توصیه های مرتبط با کرونا مبتلا شدن آنها به بی حسی عاطفی و دور شدن از فرهنگ جمعی است و همین موضوع سبب شده که تا احساس مسئولیت این عده در قبال دیگران کم رنگ شود».

وی می افزاید: از دیدگاه روان شناسی اجتماعی، مفهومی به نام اثر تماشاگر داریم، به این معنی که مردم مسئولیت رعایت و شرایط کرونا را به دیگران محول می کنند، در واقع داستان این است که هر چه جمعی بزرگتر باشد، از بار روانی و هزینه کمک کردن کم می شود و تک تک افراد مقتضی بودن کمک کردن خودشان را از رفتار بقیه گروه استنباط می کنند.

به گفته ایراندوست، در جمع های بزرگ عدم مداخله هر فرد به دیگران این علامت را می دهد که احتمال اینکه او مداخله مناسب داشته باشد کم است و نکته دیگر این است که آیا افکار عمومی در رابطه با بیماری کرونا اقناع شده است یا خیر؟ وی ادامه می دهد: در این زمینه اگر باید فاصله گذاری فیزیکی و اجتماعی را انجام شود، لازم است که اقناع سازی کافی از طرف منابع و مراجع رسمی برای رعایت اهمیت و دلیل انجام آن نیز اعلام شود.

این روان شناس با اشاره به اینکه رفتار برخی از مردم نشان می دهد که این بیماری و خطرات آن را جدی نگرفته اند، تصریح می کند: یکی از دلایل این موضوع، بی توجهی و ضعف فرهنگسازان و جهت دهندگان افکار عمومی است.

وی تبلیغات زیاد و متنوع در مورد ویروس کرونا و توصیه ها و هشدارهای مرتبط را از دیگر دلایل کم توجهی بخشی از مردم دانسته و اضافه می کند: اگر موضوعی زیاد بشود و تبلیغات از حد بگذرد، تاثیرات معکوس دارد، به ویژه اینکه در فضای مجازی تبلیغات وسیع سبب سردرگمی مردم می شود، در حالیکه ما نیازمند اطلاع رسانی به صورت واحد از طریق مسئولان و رسانه های قابل اعتماد هستیم.

ایراندوست ادامه می دهد: وقتی نظرات متناقضی از مسئولان در مورد راه های مقابله وجود داشته باشد، مردم این موضوع را جدی نمی گیرند و روال عادی را دنبال می کنند، بنابراین ما به شدت نیازمند یک سخن واحد و وحدت کلمه از طرف تمامی گروه های مرجع اجتماعی هستیم.

به اعتقاد این روانشناس، همانطور که می دانیم آدم های مختلف جامعه بر حسب اینکه در چه طبقه، موقعیت و گروه اجتماعی هستند، مرجع متفاوتی دارند که ممکن است، ورزشکاران، سلبریتی ها، سینماگران یا گروه های مذهبی باشند و این در حالی است که مردم از گروه های مرجعشان تبعیت می کنند، چنانچه این گروه ها فعال باشند و یک پیام واحد را به مردم بدهند، کمک بزرگی است برای مقابله با این بیماری؛ به این خاطر که به هر حال همیشه در هر جامعه ای هر چقدر هم جامعه پذیری قوی باشد، عده ای جامعه پذیر نیستند یا طبق هنجار رفتار نمی کنند و این وظیفه حاکمیت است که به نمایندگی از جامعه این افراد را هدایت کند.

STAY HOME STAY SAFE

— LET'S STOP —
CORONAVIRUS



مسئولان با پاک کردن صورت مسئله کمکی به حل آن نمی کنند

در رابطه با سوژه گزارش اجتماعی این هفته با موضوع کرونا پارتی که در صفحات قبلی خواندید توانستیم پای صحبت های زهره والی پور کارشناس روانشناسی و روزنامه نگار بنشینیم. وی ظهور پدیده پارتی یا میهمانی های مختلط در ایران را از اواخر دهه ۶۰ شمسی دانست و گفت: این روزها، با توسعه اینترنت و شبکه های اجتماعی دسترسی به این پارتی ها آسان تر و بالطبع آسیب های اجتماعی آن نیز گسترده تر شده است.

والی پور در پاسخ به چرایی استقبال جوانان کم سن و سال از این گونه پارتی ها می گوید: بی اطلاعی بیشتر خانواده ها از نیازهای روحی و روانی جوانان و نوجوانان و همچنین عدم پاسخگویی به این نیازها، نبود روابط صمیمی و دوستی بین آنها و دیگر اعضای خانواده از عوامل بسیار مهمی است که باعث میشود جوانان نیازهای خودشان را در بیرون از جمع خانواده و در بین دوستان و همسالان خود و گاه در پارتی ها بیابند. به این امید که لحظاتی شاد و هیجان انگیز را تجربه کنند که شاید باعث تخلیه روانی و دوری از مشکلات آنان شود. این درحالیست که تشدید اختلاف سنت و مدرنیسم و تمایل جوانان به زندگی کردن با مد روز موجب شده روابط نامتعارفی در حوزه تعاملات اجتماعی جوانان در این گونه پارتی ها مشاهده شود. این روزنامه نگار اجتماعی در ادامه توضیحاتش می گوید: پارتیهای شبانه که اغلب در اواخر هفته و در مناطق دورافتاده شهرها برگزار می شود، دغدغه برخی جوانان ایرانی شده و حتی آنهایی که تمایلی به حضور در این گونه جشنها را ندارند، آماده اند که برای یک بار آن را امتحان کنند. یکی دیگر از دلایل شرکت در پارتیها را می توان ناشی از عقده های فرو خورده و نیازهای سرکوب شده جوانان دانست. مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر و روان گردان، دنیای خیالی جذابی برای جوانان ایجاد می کند که در آن خبری از هنجارهای دست و پاگیر عرفی و مشکلات معیشتی و غیره وجود ندارد. والی پور در جواب اینکه چه کسی مقصر است می گوید: معمولاً شرکت کنندگان این مجالس بیشتر از خانواده های بسیار مرفه و یا خیلی فقیر هستند، امانی توان همه مشکل را در خانواده ها دانست و والدین را مسئول اصلی آن، جامعه نیز در مورد چنین مسائلی مسئولیت دارد، در همه دنیا نیز چنین مسائلی وجود دارد، اما دولت و آموزش و پرورش با آموزش مهارتهای زندگی، نوجوانان و جوانان را نسبت به خطراتی که شرکت در مجالس غیرمتعارف دارد، هشیار می کند، در حالی که در کشور ما آموزش و پرورش همواره در مقابل آگاه سازی نوجوانان به این مسائل مقاومت نشان داده است و به نوعی با پاک کردن صورت مسئله حتی منکر وجود این پدیده می شود.

نقش والدین و سایر اعضای خانواده اعم از برادران و خواهران بزرگتر در تربیت فرزندان و شکل گیری شخصیت آنها نیز مهم و اساسی است و از آن جا که شخصیت هر انسانی از کودکی در خانواده شکل می گیرد، از این رو والدین در تربیت فرزندان خود مسئولیت سنگین و مهمی بر دوش دارند. این روزنامه نگار حوزه اجتماعی به روز بودن اطلاعات خانواده ها از نیازهای جوانان را در جهت شناخت ابعاد شخصیتی و غرایض آنها را کمک بزرگی در جهت رواج ارزش های مطلوب به عنوان عاملی باز دارنده از تمایل به ناهنجاری در میان جوانان می داند و می گوید: اما نکته کلیدی آن است که در حال حاضر به خاطر قبح موضوع از آموزش و اطلاع رسانی دقیق در این گونه موارد اجتناب می شود.

زهره والی پور در پایان صحبت هایش با ما گفت: باور همگان بر این است که اگر روند آموزش مثبت باشد فرهنگ عمومی را هم تحت تاثیر خود قرار می دهد و ایجاد ارتباطهای ناسالم به اشکال گوناگون کاهش می یابد و در پی آن آسیبهایی حاصل از آن نیز کمتر دیده می شود، حال آن که امروز نه از این آموزش به صورت آکادمیک خبری هست، نه از بهبود وضع فرهنگ عمومی. به نظر می رسد به قول شاعر باید گفت: چشم ها را باید شست ...





۱۰ حقیقت منفی سریال خانه کاغذی

سریال Money Heist که یک درام هیجان‌انگیز است توانسته طرفداران بسیار زیادی را از سراسر جهان جذب خود کند. به گزارش گروه فضای مجازی این هفته و به نقل از ۳۰ نما وب، خانه کاغذی با طراحی شخصیت‌های مناسب و همینطور پیشرفت آنها در هر قسمت، تنش و هیجان بسیار مناسبی را ایجاد کرده است که بیننده را مجذوب خود می‌کند. در این مطلب به سری حقایق و فکت‌هایی می‌پردازیم که ممکن است پیش از این در مورد سریال خانه کاغذی نمی‌دانستید، حقایقی در مورد ساخت سریال و همینطور جزئیات مخفی. اگر علاقه‌ی بسیار زیادی به سریال خانه کاغذی دارید پس همراه ما باشید.

LA CASA DE PAPEL

MGFX

UNA SERIE ORIGINAL DE ATRESMEDIA TELEVISIÓN



۱۰. طرفداران از میان ستاره‌های فوتبال

این یک اصل است که سریال خانه کاغذی طرفداران بسیار زیادی در سراسر جهان دارد، از میان این طرفداران می‌توانیم به افراد مشهوری همچون **Neymar** و **Stephen King** اشاره کنیم. ستاره فوتبال برزیلی "نیمار" بسیار علاقه داشت که در سریال مورد علاقه‌اش حضور داشته باشد. نیمار با تهیه کننده این سریال تماسی داشت و قرار شد که در فصل سوم این سریال حضور کوتاهی داشته باشد. در فصل سوم سریال خانه کاغذی، نیمار به عنوان یک راهب برزیلی و نه یک فرد خوشگذرون نقشی به نام **Joao** ایفا کرد. برای افرادی که آشنایی با نیمار دارند، تصور او به عنوان یک راهب بسیار سخت است ولی او اینکار را انجام داد و توانست نقش کم رنگی در سریال خانه کاغذی داشته باشد.

۹. اسم مخفی

یکی از جنبه‌های بسیار جالب در مورد سریال این است که شخصیت‌ها با اسم شهرهای معروفی مثل توکیو و... شناخته می‌شوند اما در مورد "پروفیسور" اینطور نیست. بهتره بدانید در واقع پروفیسور هم اسمی مرتبط با یک شهر دارد، بازیگر این نقش **Alvaro Morte** که در نقش پروفیسور بازی می‌کند در سریال فوق، در کنار اسم مستعار پروفیسور، با اسم **Vatican city** نیز شناخته می‌شود. بهتر است بدانید که این اسم بسیار مرتبط با شخصیت و کاراکتر پروفیسور است، واتیکان شهری است رمزآلود و محافظت شده و همینطور پر از دانایی به همین دلیل بسیار مناسب شخصیت پروفیسور است. یکی دیگر از فکت‌های جالب در مورد پروفیسور این است که او در اصل هیچ مشکل بینایی ندارد و تنها به خاطر شخصیت پروفیسور عینک می‌زند که عادت به اینکار یکی از چالش‌های این بازیگر در این سریال بود.

۸. بروز رسانی نتفلیکس

این سریال در ابتدا بدلیل بودجه‌ی کم دارای صحنه‌های بسیار ساده و ارزان بود اما با پیشرفت بسیار چشمگیر این سریال و جذب طرفداران بسیار نتفلیکس سریال خانه کاغذی را بروز رسانی کرد. **netflix** تصمیم گرفت که با خرج بیشتر بر روی این سریال طرفداران بسیاری را جذب کند به همین دلیل با اجاره‌ی جزایر اختصاصی، هلیکوپترهای گران قیمت و همینطور معابد تایلندی هیجان بیشتری را به این سریال تزریق کرد که در نتیجه میزان بازدید این سریال چند برابر شد.

۷. ادای احترام مخفی

سالوادور فلیپه ژاسینتو دالی دومنک با به اختصار سالوادور دالی که یکی از بزرگترین نقاشان سورئالیستی معروف اسپانیا بود، جایگاه ویژه‌ای در اسپانیا و همینطور دنیای هنر دارد. آثار دالی که استایل عجیب و مرموزی دارد بیشتر بر علیه نظام سرمایه‌داری نوین بود و توانست با خلق آثاری در این زمینه، اثر بسیار بزرگی را بر دنیای هنر و همینطور اسپانیا بگذارد.

مردم اسپانیا به داشتن همچنین فرهنگی افتخار می‌کنند و دوست داشتند که نام دالی دوباره زنده شود. برای اینکار ماسک‌های سالوادور دالی در این سریال استفاده شده است تا یاد و خاطره‌ی این نقاش بزرگ اسپانیایی بار دیگر زنده شود.

۶. توکیو

معمولاً بهترین ایده‌ها توسط کارهای ساده‌ایی که روزانه آنها را انجام می‌دهیم گرفته می‌شوند. در سریال خانه کاغذی همانطور که اشاره کردم تمامی شخصیت‌های اصلی این سریال نام مستعاری دارند که بر اساس شهرهای معروف دنیا مثل توکیو نام گذاری شده‌اند. به نظر می‌رسد که پشت اینکار فکر و منطق بسیار خوبی نهفته باشد ولی باید بگم که اینطور نیست. در واقع این فکر زمانی به سر سازنده سریال، الکس پینا، زده شد که در هنگام کار متوجه اسم توکیو بر روی تیشرت همکارش شد. چه کسی میداند منبع الهام سازنده سریال در فصل بعد چه چیزی است؟

۵. تغییر مکان

در مراحل آغازین ساخت سریال قرار بر این بود که لوکیشن مورد استفاده در سریال، ضرابخانه ملی اسپانیا باشد. اما عوامل این سریال نتوانستند مجوزهای مورد نیاز را از وزارت دارایی و اقتصاد اسپانیا کسب کنند، این دلیلی شد که عوامل به دنبال لوکیشن جدیدی باشند. از آنجایی که بسیاری از لوکیشن‌های اسپانیا منظره‌ایی تاریخی دارند، کار عوامل ساخت بسیار آسان شد و توانستند که لوکیشن مورد نظر خود که شبیه ضرابخانه بود را پیدا کنند. کار ضبط در شورای تحقیقات ملی اسپانیا آغاز شد و بعد از آن، بخش عمده‌ی سریال در استودیو ضبط شد.

۴. عنوان سریال

یکی از جنبه‌های ساخت سریال پیدا کردن اسمی درخور سریال است، اسمی که تلفظ راحتی داشته باشد و در ذهن باقی بماند. عوامل ساخت این سریال در ابتدا اسم سرقت پول یا **Money Heist** را برای این سریال در نظر نداشتند بلکه اسم **Los Desahuciados** به معنی رانده‌شده‌ها را انتخاب کرده بودند. از آنجایی که شخصیت‌های سریال از نظر اجتماعی طرد شده اند به نظر میرسید که بهترین اسم برای این سریال باشد. اما در ادامه عوامل سازنده سریال تصمیم گرفتند که اسم **La Casa de Papel** / خانه کاغذی / یا **Money Heist** را برای این سریال در نظر بگیرند.

۳. گمشده در ترجمه

در مراحل آغازین ساخت سریال، هنگام انتخاب اسم خانه کاغذی قصد بر این بود که نامی انگلیسی هم برای انگلیسی زبانان انتخاب شود. نام سرقت پول که اصلاً هیچ ربطی هم به نام اصلی سریال ندارد، انتخاب شد. نام اصلی سریال **La casa de papel** که به معنی خانه‌ی کاغذی است در مورد سرقت پول از ضرابخانه ملی اسپانیا است به همین دلیل نام **Money Heist** بسیار مناسب و مرتبط به نظر میرسید. البته بسیاری از مردم همچنان فکر میکنند که سرقت پول و خانه کاغذی دو سریال جداگونه محسوب می‌شوند.

۲. نویسندگی موازی

بسیاری از سریال‌ها فیلم‌نامه‌های خود را به طور کامل می‌نویسند و بعد از تمام شدن نویسندگی فیلم‌نامه، کارهای پخش را انجام می‌دهند. اما در مورد سریال خانه کاغذی اینطور نیست. نویسندگانی که سریال را نوشتند تا با دیدن عکس و العمل بیننده‌ها بعد از مشاهده‌ی هر قسمت، روند نوشتن خود را برای قسمت‌های بعدی تغییر بدهند. اینکار باتوجه به ریسک بالایی که دارد به نظر می‌رسد برای سریال سرقت پول جواب داده است.

۱. نزدیک بود کنسل شود

سریال فوق در می ۲۰۱۷ منتشر شد. این سریال با شروع بسیار خوبی که داشت، توجه بسیار خوبی را به خود جلب کرد و نمرات بالایی را توانست کسب کند. اما با ادامه‌ی سریال امتیازات شروع به افت کردند. قسمت پایانی فصل اول که قرار بود یک پایان باشکوه باشد با از دست دادن بسیاری از تماشاگران آنچنان هم باشکوه نبود. تا اینکه نتفلیکس، ناجی سریال شد و توانست با جذب تماشاگر برای این سریال، خانه کاغذی را برای فصل‌های سوم و چهارم هم تمدید کند.

فرستی که کرونا به سینمای ایران داد

ترس و تردیدها از اکران آنلاین در ایران



همین چند ماه پیش، وقتی که هنوز در تدارک نوروز و تردیدهای قرنطینه بودیم، اگر کسی از «اکران آنلاین» در ایران حرف می زد، سینمایی ها در ذهن شان عجایب هفتگانه را هشتگانه می پنداشتند؛ که خب البته حق هم داشتند، اما این اتفاق در کمال ناباوری افتاد. امروز آنقدر اکران آنلاین بدیهی شده که از ابراهیم حاتمی کیا با «خروج اوجی» اش تا سیروس الوند با «آنجا همان ساعت» که بسیار مخالف این پدیده است، همه به صف شدند.

راه دومی در کار نیست

یکی از موافقان این شیوه نوین که اتفاقا از اقتصاد اندیشان سینماست؛ علی سرتیپی است. او مدیر شرکت پخش فیلمیران و یکی از تهیه کنندگان پر کار و تا حدود زیادی پول دار» لقب دارد که معتقد است: «من اینطور فکر می کنم اگر بخواهیم آنی و فوری با قضیه کرونا در صنعت سینما برخورد کنیم، باید قضیه اکران آنلاین فیلم ها را جدی تر بگیریم چون در حال حاضر راه دومی وجود ندارد». البته حق با اوست، اما از یاد نبریم که اکران آنلاین می تواند اوضاع سینماها را از لحاظ اقتصادی با چالش روبرو کند و سینماداران برای جذب مخاطب باید راه های نوین تری را به کار گیرند.

من به این چالش تن می دهم؛ ناچارم و موافق

رامبد جوان که سمت های گوناگونی در همه قالب های نمایشی را تجربه کرده است، دومین تهیه کننده ای بود که پا در وادی اکران آنلاین گذاشت. او که به همراه محمد شایسته تهیه کننده و سرمایه گذار سینمایی «طلا» بودند در این جایگاه ایستاد و با اعلام اینکه «من به این چالش تن می دهم؛ ناچارم و موافق» گفت: «بینید طبیعی است با هیچ فناوری دیگری نمی شود فیلمی که برای پرده عریض تولید شده را دید و همان کیف را برد چون به اعتقاد من لذت تجربه یک اتفاق جمعی و حضور در اجتماعاتی همچون سالن سینما و لذت تماشای فیلم به همراه خانواده را نمی توان با فناوری های نوین از بین برد، اما در حال حاضر راه دیگری هست؟» جالب است بدانید که سینمایی «طلا» به کارگردانی پرویز شهبازی، فیلمی در ژانر اجتماعی است که از چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت به اکران در سینمای آنلاین رسید و با گذشت ۴۸ ساعت، از مرز فروش ۵۰ هزار بلیت گذشت.

روایاتی که «تفلیکس» محقق کرد

البته با احترام به این دو دیدگاه از یاد نبریم که چالش بر سر «اکران اینترنتی» و نسبت آن با «هنر صنعت سینما» در جهان هم چندان پدیده تازه ای نیست. کم نیستند فیلمسازان بزرگ و پیشکسوت سینما از استیون اسپیلبرگ گرفته تا مارتین اسکورسیزی در هالیوودی ها تا داریوش مهرجویی و مسعود کیمیایی در سینمای وطنی که گاه از سر افسوس و گاه با لحنی تند و صریح بر اصالت «فیلم دیدن در تاریکی سینما» تأکید کردند تا شاید جلوی این تغییر را بگیرند، ولی این در حالی بود که قدرت فضای مجازی بهترین پشتوانه برای عبور از سنت فیلم دیدن در سالن سینما به شمار می رود.

شاید اگر همین بزرگترها کمی به قول جوان ترها «گجتی» تر بودند، آنقدرها هم به این فرم و مدیوم اصرار نمی کردند. به یاد داشته باشیم که تفلیکس که در آغاز یک شرکت اینترنتی «سفارش فیلم» بود، با بهره گیری از تجربه «تلویزیون های کابلی» توانست بر بستر اینترنت، فضایی را ایجاد کند که مخاطبان در هر نقطه ای از جهان بتوانند به جای سفارش فیلم و دریافت نسخه دی وی دی آن، به صورت آنلاین فیلم درخواستی خود را از طریق تلویزیون، رایانه شخصی و یا حتی تلفن همراه به تماشا بنشینند و این شاید چیزی شبیه کابوس برای فیلمسازانی بود که زمانی می گفتند «مگر می توان لذت و سترن را جز روی پرده نقره ای بزرگ درک کرد؟»، اما حکم تحقق یک رویا را برای نوجوانان و جوانان عصر اینترنت داشت!

آقایانی کاتولیک تر از پاپ

به قول یکی از سینماگران «برخی از دوستان سینماگر ما برای پرده سینما تقدسی قائل اند که میزان آن از کسانی که این پرده را خلق کرده اند بیشتر است! اصطلاحا می گوئیم که فلانی کاتولیک تر از پاپ است؛ سینما یک ابزار است؛ چرا باید تقدس داشته باشد؟ این ابزار تا

زمانی قابل استفاده است که پاسخگوی نیازهای ما باشد؛ اگر زمانی پاسخگوی نیازهای ما نباشد باید آن را تغییر دهیم». این بحث که مطرح شد خیلی زود محمداقصد اشرفی، رئیس انجمن سینماداران در گفت و گویی که با یکی از خبرگزاری ها داشت خیلی محترمانه تهدید کرد: «صاحبان آثار سینمایی مجاز هستند که فیلم های خود را به هر نحوی که تمایل دارند در اختیار مخاطبان سینما قرار دهند، اما فیلمی که در فضای مجازی و یا شبکه نمایش خانگی ارائه شده باشد، قطعا در آینده در سینماها اکران عمومی نخواهد شد.»

توقیفی هایی که پای کار آمدند!

همین ۴ سال پیش بود که فیلم «ارادتمند؛ نازنین، بهاره و تینا» به کارگردانی و نویسندگی عبدالرضا کاهانی توقیف شد و هیچ زمان نتوانست رنگ پرده را به خود ببیند. هر چند او به این روال عادت دارد، اما کاهانی در طی این سال ها تلاش های بسیار زیادی برای اکران فیلمش کرده و همیشه به در بسته خورده است. آخرین بار هم وقتی محکم پشت این در بسته میخکوب شد که محمداحسین لطیفی از اعضای شورای پروانه نمایش آب پاکی را روی دست کاهانی ریخت و گفت: «ارادتمند؛ نازنین، بهاره، تینا» امکان اصلاح ندارد و بنابراین مجوز نمایش نخواهد گرفت». با این وجود و به رغم چنین حرفی کاهانی برای اکران آنلاین این فیلم ابراز تمایل کرده است. در بخشی از صحبت های او در صفحه اینستاگرامش خطاب به مردم آمده است: «پس از چند سال انتظار، توقیفی ندارم جز اینکه شما - بدون سانسور - تماشاگر فیلم باشید. وقتی می گوئید فیلم را اینترنتی پخش کنم، مطمئن باشید من هم به آن فکر کردم و اگر مانعی نباشد لحظه ای درنگ نمی کنم. این اثر متعلق به شماست. شما که هر روز در حال پیشرفت فکری و اجتماعی هستید و من خجالت می کشم محصول فکری پنج سال گذشته ام را از شما دریغ کنم.»

«صد سال به این سالها» دیگر فیلم توقیفی است که متقاضی اکران آنلاین شده است این اثر در بیست و ششمین دوره جشنواره فیلم فجر رونمایی شد، اما بعد از آن با وجود داشتن مجوز اکران فرصت اکران عمومی پیدا نکرد. اما اکنون بعد از ۱۳ سال مرتضی شایسته تهیه کننده این اثر از برنامه ریزی برای اکران آنلاین این فیلم خبر داده است. فیلم کمدمی - سیاسی «منشی مخصوص من» نیز متقاضی اکران آنلاین شده است. «منشی مخصوص من» که ۶ سال پیش ساخته شده از حضور بازیگرانی چون؛ حسام نواب صفوی، سیروس گرجستانی و ساناز سماواتی بهره گرفته است. صالح دلد، کارگردان این فیلم درباره انگیزه هایش برای اکران آنلاین «منشی مخصوص من» به ایلنا گفته است: «صد درصد فیلم قاچاق می شود، اما با وجود ۶ سال توقیف و سنگ اندازی های بسیار برای جلوگیری از اکران، چاره ای جز اکران فیلم ندارم. در واقع به مرگ گرفته اند که به تب راضی شدم». علاوه بر موارد که ذکر شد فیلم های «خیابان های آرام» به کارگردانی کمال تبریزی، «رستاخیز» ساخته احمدرضا درویش، «خصوصی» ساخته محمداحسین فرح بخش و «کاناپه» به کارگردانی کیانوش عیاری دیگر آثاری هستند که در چند سال اخیر توقیف شده اند و همچنان وضعیت نمایششان مشخص نیست. در این بین شاید اکران آنلاین بتواند یک فرصت طلایی باشد.

پرده آخر: طعم شیرین حمایت و لذت «اوج» نشینی

این موارد هر چند قرار است مروری باشد به این پدیده که احتمالا تا انتهای نیمه نخست سال یک شیوه جا افتاده خواهد شد ولی باید تأکید کرد سینمای صد در صد دولتی ما که به قول فراستی «سود در تولید است و نه اکران» همچون مولودی دارای نواقص ژنتیک است که باید تا ابد از آن حمایت شود. شاید به همین دلیل است که سازمان سینمایی به آثاری که تن به اکران آنلاین دادند ۳۰۰ میلیون کمک کرد تا کمتر کمر خم کنند ولی گفت به آثار دولتی کمترین کمکی نمی کند. اما باید سوال کرد آیا چنین حمایت هایی سینماگران متمایل به بخش خصوصی را دولتی تر و به اصطلاح «اوج» نشین نمی کند؟! خودمانیم طعم فروش میلیاردي با امکان به کارگیری همه ابزارها لذیذ و شیرین است. محمد بندرعباسی



Hot Topic of Stock Market

Darya Godratipour

Stock market is a talking point these days and if you pass by one the stock exchange brokers, you see a large of people waiting to register their exchange identification code. Now exchange market has the leading role in the economy and stock indicator suggests .an increasing trend

pandemic has affected world's economy This is while COVID19 seriously, increased inflation and caused unemployment for many. Now exchange market has become a point of hope for many not to miss the train. The initial public offering in some stocks seems .profit margin %100 tempting and some have reached to a These events caused the vast amounts of capital previously put on foreign exchange and gold markets, are now shifted towards exchange market. People who do not know the basics of exchange market entered it for the sole purpose of achieving financial gain. Many sell their car and everything they had for the sake of a .future that id uncertain in terms of what it has prepared for them Although exchange market has not reduced its pace and there is an important point which is often overlooked here and that is "stock exchange literacy". There are people who only think about the profit they imagined for themselves but their age will not allow them to engage in training programs and enter into the exchange .market

Ali is one of those people. He has no job and sold his car, which was all he had according to himself, and put his money in exchange market. "it is now three mounts that I have actively million Rials. 200 entered into the market with the total capital of and if I sell my share at the %50 Now I increased my capital by million 420 current market demand, I'll have something around Rials". He is satisfied with the works he has done and says: "I can do something to have my share even more and more in such a . "way that surprises everybody

On the other hand, there are people who do not engage actively in exchange market and consider it as a sort of entertainment and a way to enjoy a small increase in their capital. Mohsen is one of those. He is studying veterinary in university and prefer to spend his time more on his studies. "right now because of my busy schedule, I can't dedicate my full attention to it and because of that I have recently invest most of my money on a long term shares ".and invest seven or eight million tomans on short term projects There are another group of people who see exchange market quite similar to that of shoes and bags market and presume that they can easily get whatever they wish. Hoping that stock market profits are higher than bank profits, they build their expectation, out of lack of knowledge, on programs that might cause them a .huge loss

Today One of serious threats people might face is that Saham-e-Edalat (one of the governmental initiatives regarding subsidies) is going to offer in exchange market and those who think they can make an easy profit in this market, naively take the control of their share from the government and transfer it to themselves in a .market in which they have no idea about their role Hamid Tabatabaei, economic expert, says you have to bear in mind that "you should die for the one who will catch fever for you". Exchange market is not going to do the same for one who doesn't not have any knowledge about it. This is the forgotten fact of today's exchange market

He speaks about a fever which is very high these days and many people are suffering from it "there is no doubt that there is a bright prospect for one who enters the market with sufficient information and knowledge. It is much better than investing money in banks, but you have to bear in mind that training precedes the economic .risk

The risk which nowadays targeted newcomers and caused serious problems for the capital market, because this a warning for a bubble that is not clear how long it will last and may explode at any moment

Stock exchange notes

Mohamad emami

Good old days! when we wanted to buy a second-hand car we used to go to one of those used-car lots. Then there was an experienced man advised us that one should consider twenty factors to buy a car and we didn't know with how many of those twenty factors we were familiar. We have put almost the same thing on the stock market, with a huge difference, we don't even know the basics of the stock market yet. But there are many offers and we have a bull market to attend. They say "Blind men can judge no color" so the stock market should not be viewed superficially because it runs a high risk and experts and actively engaged people in this market believe that the stock market is a complex phenomenon, runs a high risk and investment requires patience and expertise. Accordingly, it is better for people who have no or limited information about the stock market and are not sufficiently familiar with it, to gain relevant information about it. The stock market is no longer like that second-hand car we wanted to buy; There are many items to buy and sell and if you are not an expert, you will be definitely the loser of this game. Interestingly, sometimes an economic rush grows so emotional that it gets out of control. We rush for more profit, more money and we hasten to multiply our capital but sometimes in the end we lose even the pittance we had initially. Overall we are a group of very emotional people who always live in confusion. A friend of mine used to say a social impact should be the product of its own time. What can we do when the speed of the current era is increasing too impetuously to catch up? The same goes for stock market. When the stock market of all countries, including Wall Street, has slumps heavily, how can our country, given different problems of the stock market, be on top in a couple of months? All of these are happening in a situation where a million tomans car, found itself worth million tomans in a short span of 90 time, gold equals to an elixir and the price of gold coin is supposed to exceed million tomans channel. I have no idea how it is possible not to lag behind the economy. like a little turtle trying to catch the economy arrow





Stock market win-loss Dominoes

*The capital market must be the mainstay to provide fixed capital and working capital for»
«private sector*

This is Farhad Dejpsand's famous dialogue in the days when the excitement of the stock market shows upward trend and in his opinion this is an opportunity for private sector investors

He recently defended the performance of knowledge enterprises, calling them one of the cornerstones of the economy. This issue can now be considered as a new chapter in economic transparency by entering these companies into the stock market

Dejpsand also reported on the private sector's entry into the stock market at a meeting to explore opportunities to use capital market capacities to finance firms and the private sector, highlighting preparedness of the private sector. The sector that can now be considered a solid support to provide fixed and working capital due to the decrease in government liquidity

According to the Minister of Economic affairs and Finance, the capital market is an integral part of the national economy and we should be able to create a pleasant memory of this presence for people and we should not allow recklessness to inflict harm on recklessness that some experts call bubbles and believe will soon explode and cause them serious problems for the stock market

They say the upward growth of the overall index, high return on the stock market and the emotional rush of people to the stock market is a warning that should not be ignored because there is room for precaution and these are signs of unhappy days that may lead to a drop in stock prices. Maybe that's why economists are encouraging people to enter the stock market with increased awareness

The Minister of Economic affairs and Finance opposes this and says «There are no «bubbles in the stock market and there is no need to worry

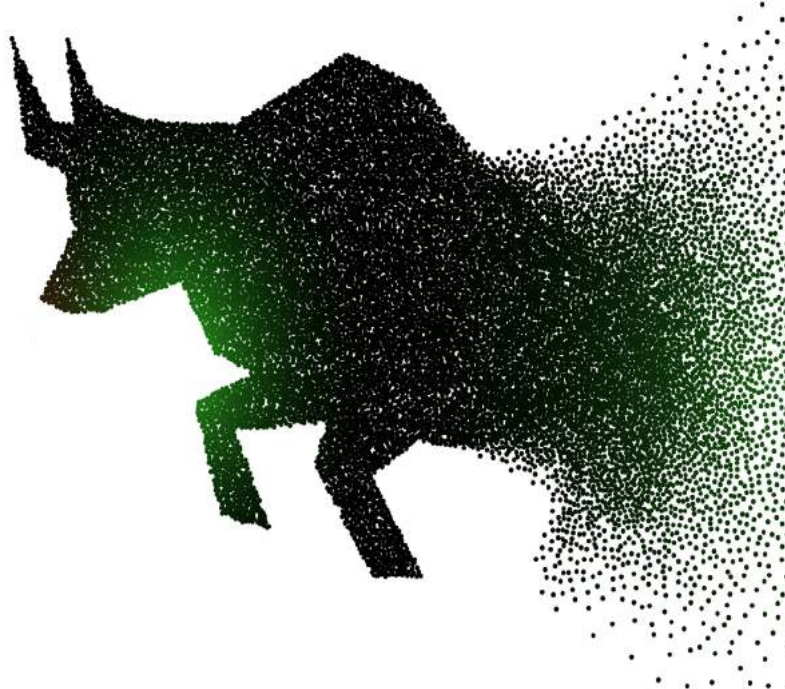
Emphasizing that the government support for the stock market will continue and is not limited to a specific period of time Dejpsand added "When the stock market is welcomed broadly, why should we discourage people? Why not taking this opportunity? Meanwhile, "months 7 studies have shown that the stock market has not bubbled in the last

However, this issue is not a cause for concern as long as people are familiar with the conditions of the stock market, an issue that has been confirmed by the head of the Iran securities and Exchange Organization who in an interview with one of the news agencies recently said "a company's stock depends on various factors such as the company's internal conditions, current state of the country's industry and economy etc. People must "be trained before entering the capital market and trading stocks

Stating that despite the fact that the capital market is one of the complex markets, some people think that they can easily function in this market only by receiving the stock exchange identification code, Hassan Ghalibaf maintained that since people engaged in this market are smart and intelligent, if people enters it without having enough information, they will suffer major losses

This is something that economists agree with and believe the unruly entry of people and the private sector into the stock market can create a lot of problems

According to Ghalibaf, people should not invest the money they save for basic needs such as buying cars, properties and business in the capital and the stock exchange markets. «People can invest the money they have saved in the bank and there is not an urgent need .to it so that they do not suffer from stress and losses





Economic game of these days For the sake of a handful of exchange

Dr.M. shekareesaz

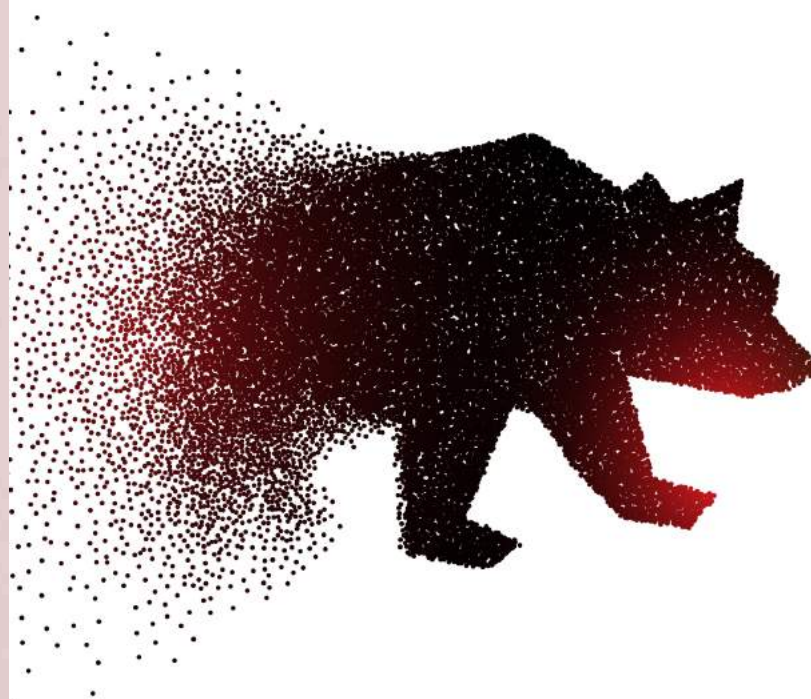
These days, we are in the company of stock market because of the capital that has been wandering so far and now is supposed to enter into the stock market. Now, whether we like it or not, stock exchange is viral in our daily conversations. A stock exchange that has even entered into Saham-e- Edalat and has become the emperor of the capital market these days.

A double standard with which some agree and others say that all this controversy over stock exchange, is pointless. There is the government standing on one side, and on the other hand, there are some economic activists who believe that all of this is propaganda and is like a bubble that is not clear how long it will last and may explode at any moment. However, stock market policy is the best word to describe the days when we do everything we can to raise a small amount of capital for the stock market and multiply its value. Although many say that such a remark on the market in which huge capitals is exchanged is a superficial and unreliable one.

But as speculators take the control of the stock market, the market takes on a different meaning, with profiteers taking advantage of the situations they have set up. The fact is that if speculation is widespread in an economic market, it can seriously damage the health of that market. However, some people agree with the opposite and say that the entry of these people into the stock market will provide market liquidity and reduce the gap between the offered purchase and sale prices. It also enables manufacturers to cover the risk of their products.

However, we have to accept the fact that our country has suffered from different types of serious problems due to sanctions, but this is not a reason for different lifestyles to be adopted by the majority of sections of society. This is because our people get most of their information from unreliable media or Telegram channels that want to make a profit by creating tension. Showing surprising and unreasonable figures and highlighting market turmoil, these telegram channels play a key role in media for the benefit of those who want to disturb people's peace. The huge gap between real Prices in the official market and much higher prices that are mere speculations is the proof of this argument.

Endless unfounded prices can sometimes jeopardize people's capital markets and create a bubble that will provoke further problems. All this is happening at a time when it seems there is no supervision over these advertisements, everyone walks their own path and sends their own message. It doesn't matter whether they disagree or agree, they push highly subjective ideas to the market that heads to nowhere among social media rumors.





Stock exchange will make companies visible



**CEO of
Pars Pendar Nahad Holding**

Having mentioned that stock exchange can play an effective role in the economy, CEO of Pars Holding said: Stock exchange will make companies visible and shed light on their different aspects including costs, revenues and so on.

When a company enters stock exchange, visibility will increase and financial corruption will be prevented to a great extent, Dr. Meisam Shekarisaz added.

According to shekarisaz if stock exchange would be established in the structure of governmental and private organizations, financial circles will become more clear and positive outcomes will be achieved.

Maintaining that stock exchange contributes to companies' survival and sustainability, CEO of Pars Holding said: with the help of stock exchange, companies will no longer rely on individuals.

"in this situation collective interests come up and since shareholders of the companies are different people, companies' sustainability will increase. In normal situations where an individual is the only shareholder, companies may go out of business without that individual", He added.

Shekarisaz mentioned that entering companies into Stock exchange is an important and happy event that can play a crucial role in government's control and supervision of country's imports.

CEO of Pars Holding added: with entering into stock exchange, companies can no longer involve in tax evasion and in fact tax avoidance will be practically eliminated.

He then went on to say that receiving accommodations is another positive aspect of getting into stock exchange. It means that if those companies need different bank facilities increase the visibility of their activities, they can easily develop their projects by having these accommodations.

Dr. shekarisaz as an entrepreneur believes that business valuation is another benefit of Stock exchange. With valuation, the brand of the company for which the founder may have suffered a lot will exist even after transferring the business ownership to another person.

"sometimes companies spend years to educate their staff and when the ownership is transferred to another company, the valuation report is only about their supplies and facilities and their human resource has been often neglected.

However, if the same company enters the stock exchange, its brand will remain and a logical valuation will be carried out" he added.

CEO of Pars Holding expressed his regret over Iran's not having considered this any sooner and asserted that in fact, stock exchange is of crucial importance.

Pointing out that in Canada even small businesses enter stock exchange and everything is completely visible, shekarisaz said: nevertheless, in our country most of industrial companies and automobile manufacturers and other parties are running by private sectors which is a major weakness.

With regard to the question that whether he is also on the opinion that the current index is a kind of stock exchange bubble, he answered: yes, it is true and the reason is that an enormous volume of liquidity has entered stock exchange and caused some concerns as well.

Shekarisaz Highlighted that stock exchange itself has no grounds to worry about and acts like a double edged knife that can be used either correctly or inappropriately.

"what is now happening in our stock exchange is that many companies that have no significant growth in the last three months, have seen their value increased considerably and the reason is this enormous volume of liquidity that has entered stock exchange. I am totally positive about stock exchange but the threatening part of it is that sometimes profiteers and swindlers profit from the troubled situation of the market" Dr. shekarisaz said.

Pars Holding Chief Executive Officer warned that these swindlers are fishing in troubled waters and entice people to buy shares they want to sell and said: Generally, the supply and demand rule is there and when demands for something increases, the price shoot up and people think they are making a profit.

He also added that increased demand will inevitably result in increased prices and in this situations some people buy shares in order to set a trend. Then they sell whole shares When their profit realizes and as a result inflict a serious loss to many others.

Irritating that even in order to become a successful driver one needs proper trainings let alone functioning in stock exchange, shekarisaz said: fundamental and technical trainings are essential for people who wish to enter this market and it is sad to see that many bankrupted firms have a substantial share of the market without doing something special.

"during several meetings with the minister of economic affairs and finance, it has been agreed that people have to participate in some special training courses before they can collect their exchange identification code. This was a suggestion and I hope to achieve necessary success in this regard" shekarisaz explained.

He stressed that all firms that enjoy a powerful private support will become successful in stock exchange. Having Unfair sanctions and decreased oil sales ahead, we have no choice but to concentrate on our domestic potentials.

"if all the governmental and private firms are directed in the right path and enter stock exchange actively, we will enjoy an atmosphere similar to that of developed countries and Iran stock exchange will have a bright future.

With regard to entering knowledge enterprises to stock exchange Dr. Shekarisaz asserts that these firms have a unique face in the market and since the world is moving toward an economy with high value added and limited materials, entering such firms into stock exchange leads to improved efficiency.

In his concluding remark Dr. shekarisaz noted that proving a framework within which elites create exchange requirements and proceed to enter into over-the-counter (OTC) exchange, can lead to a promising future for them.

Stock exchange notes

Darya Ghodrati pour

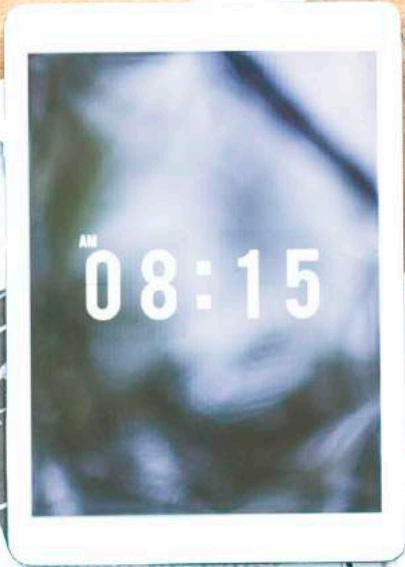
Good old days! when we wanted to buy a second-hand car we used to go to one of those used-car lots. Then there was an experienced man advised us that one should consider twenty factors to buy a car and we didn't know with how many of those twenty factors we were familiar. We have put almost the same thing on the stock market, with a huge difference, we don't even know the basics of the stock market yet. But there are many offers and we have a bull market to attend. They say "Blind men can judge no color" so the stock market should not be viewed superficially because it runs a high risk and experts and actively engaged people in this market believe that the stock market is a complex phenomenon, runs a high risk and investment requires patience and expertise. Accordingly, it is better for people who have no or limited information about the stock market and are not sufficiently familiar with it, to gain relevant information about it. The stock market is no longer like that second-hand car we wanted to buy; There are many items to buy and sell and if you are not an expert, you will be definitely the loser of this game!

Interestingly, sometimes an economic rush grows so emotional that it gets out of control. We rush for more profit, more money and we hasten to multiply our capital but sometimes in the end we lose even the pittance we had initially.

Overall we are a group of very emotional people who always live in confusion. A friend of mine used to say a social impact should be the product of its own time. What can we do when the speed of the current era is increasing too impetuously to catch up? The same goes for stock market. When the stock market of all countries, including Wall Street, has slumps heavily, how can our country, given different problems of the stock market, be on top in a couple of months? All of these are happening in a situation where a 50 million tomans car, found itself worth 90 million tomans in a short span of time, gold equals to an elixir and the price of gold coin is supposed to exceed 7 million tomans channel. I have no idea how it is possible not to lag behind the economy. like a little turtle trying to catch the economy arrow already fired years before....







National gambling class

Dr. Mohsen Renani

The Iranian banking system has worked hard for 40 years to make majority of the Iranian people a loan shark. It has used all available means to reconcile people with notions such as bank, interest, insurance and stock exchange with which they had problem before the Islamic revolution. Weakening the hardworking culture, these efforts paved the way for developing a ready-to-wear culture in the country. (In the same period that we introduced usury, the "usurer West" realized that for a continuous growth, interest rates have to be close to zero).

If a profligate person starts spending money more wisely, a large portion of his/her income will be saved and he will be richer at the end of the year. While if everyone in a community decides to be economical and spends less, they will all be poorer at the end of the year. As a result, individual virtues will not necessarily be socially praiseworthy (and this is precisely the point that Faqihs do not pay attention to in policy-making and it becomes clear that the policy of promoting prayer or hijab causes more indifference or indecency). Gambling is also one of those phenomena that we may commit a fallacy of composition about. If gambling is a compulsive behavior in one person, it does not mean that gambling is a destructive phenomenon for every member of the society. In economics, we divide people into risk-taking, risk-averse and medium-risk individuals. Each of these three groups behaves differently. Iranian people are often risk-averse. I have an objective evidence for this claim and that is the interest rate. In societies where most people are willing to get loans at high interest rates, it means that they prefer today's low interest to higher interest in the future. Iranian people strongly prefer today's interest to that of tomorrow. This mood is also evident in the common proverb «A bird in the hand is worth two in the bush.» The riskier a society is, the higher its time preference becomes and therefore the higher the expected return is. Why? Because by risk aversion, one is not willing to replace this year's cash return with a risky profit next year, unless next year profits are substantial.

In the modern world, a conservative, fatalist and risk-averse nation is not being developed. In the last forty years, our society has become accustomed to earning money through bank deposits, which has led it to be risk-averse, conservative and more convenient with ready-to-wear approach. Indeed, political and managerial instabilities have reinforced this trend. Our society must practice risk-taking and experience repeated losses and massive victories, it must enjoy gambling. We can see this in the words of Rumi "blessed the gambler who gambled all he had away, so was left with nothing but the desire to gamble".

A considerable part of the money flown into the stock market these days are small capitals belong to families. Many families have taken their money out of their bank accounts and bought stocks. Nearly 10 million people in Iran have Saham-e-Edalat, and now their share worth eleven times more. The sweet experience of a 10 percent increase in the value of a person's capital within a single month makes everyone addicted to the stock market. The stock exchange is becoming a national gambling class for Iranians. And, of course, in a conservative and fatalist Iranian society, strengthening the spirit of gambling leads to improved rationality.

We know that the science of statistics has been founded with gambling because professional gamblers needed to calculate their chances of winning and losing very accurately. So with very precise calculations, they chose the most rational way. People who are active in the stock market need to follow economic changeover, think and talk about them, and all these behaviors will lead to the development of public rationality in society.

The government took a serious risk in expanding the stock market so quickly; Congratulations on this courage! Because based on economic knowledge, we know that if the stock market continues to rise or fall sharply as it does today, both trends will have serious negative consequences for national economy and they will soon become apparent. What a spectacular future for a gambler nation! Do not think that when a nation gambles, it only gambles on the stock market, it will take this gambling spirit to all areas!

Stock Exchange market- past to present

It was **47** years ago that stock exchange entered Iran. In fact, initial studies on the establishment of stock exchange in Iran had been date back to **1936**. After a comprehensive and detailed analysis, Belgian “Ron Lotrefled “drafted the statute and internal regulations of exchange market and presented it to Iranian authorities but given the circumstances of that time and the outbreak of second world war outbreak, reviewing the plan of stablishing stock Exchange paused for a period of more than **25** years.

the approval of the Stock exchange act in the Islamic consultative assembly (Majlis) can be regarded as the first step of creating the exchange market in Iran. The ministry of economic affairs then passed the law for enforcement to central bank and finally in **1962** an initial agreement on starting the exchange market in Iran was signed in a commission consisted of representatives of ministry of finance and ministry of commerce and also representatives of development of industry and mine bank.

By the end of the same year (**1962**) a delegation of Brussels stock exchange headed by the stock exchange secretary general was invited to Iran in order to stablish a partnership in stablishing the stock exchange in Iran. After four years, in **1966** the Stock exchange act in the Islamic consultative assembly approved and then The ministry of economic affairs passed the law for enforcement to central bank. Almost a year after the communication of the law, in **1967** Tehran stock exchange officially started its activities by completing a number of dealings on development of industry and mine bank shares which was then the largest production and manufacturing sector.

Exchange Wax and wane

The stock market has experienced many ups and downs so far. From **1967** to **1978**, the number of companies and institutions listed on Tehran Stock Exchange increased from **10** economic enterprises with a capital of **2.6** billion Rials to **142** companies with more than **308** billion Rials. With the victory of the Islamic Revolution, the number of companies accepted, was reduced from **105** to **56** at the end of **1988**. The reason for this reduction has been the acquisition of many economic enterprises by the government. (Due to the nationalization of banks, insurance and some industries in the country, a large number of businesses listed on the stock exchange were excluded). The severe recession in the stock market during the eight years of the imposed war is also one of the important events in the Iranian stock exchange history. Currently, four major stock exchanges in the country operate under the supervision of the securities and exchange organization.

Did the stock exchange fulfil its duties?

Creating a capital resource for businesses, providing the possibility of foreign investment and creating a resource for the government budget are among the main features of the stock market. These factors were supposed to help Iran to transform its economy, but has the stock market contributed to economic growth?

In a healthy economy and a dynamic stock market, financial resources can be enriched through the sale of stocks and bonds. It is possible to strengthen the sense of participation in the general public by investing their small capital in production and commercial activities, it is also possible to prevent the attraction of capitals by speculative activities.

Engaging in speculative activities such as buying currency and sometimes properties, and nowadays buying a car, means withdrawing money from the production cycle, which means reducing employment and at the same time increasing unemployment and inflation.

It is clear that developing a healthy economy and a dynamic stock exchange is not only achieved through slogans and the mere wish plan, but also the necessary infrastructures needs to be provided first; this is the role of the government and parliament to provide the essentials and perform in a lawful, determined and stable manner in their Economic policy-making in line with country's vision plan and five-year economic development programs.

Despite the limitations and problems ahead, the existence of provided potentials and needs has made the position of the stock exchange more prominent and important in recent years.

Although the country's stock market is in a privileged position in terms of demographic, industrial and economic indicators, the lack of necessary means and grounds for equal and widespread participation of resource owners in the Iranian capital market has led to a limited percentage of current capital provided by this market for small shareholders or even private sectors.

limited geographical coverage of the capital market has made the stock exchange unknown in most parts of the country and this is also the reason for the low presence of companies operating in remote parts of the country in this market.

The country's economic thermometer

It has contributed to countries' economic growth and has a positive impact on the world economy as well. In general, it can be maintained that financial markets can play an important role in the economic development of countries and ultimately the development of the world economy by collecting small and major capitals and directing them to productive economic sectors, by encouraging individuals to invest in the stock market.

As the economy of a country improves, other countries will put an extra effort in accelerating their economic growth, and the stock market can help them greatly, as a result the world economy will prosper.

The most important goal all countries and societies are striving to achieve, is economic growth and development. Providing a decent life for all members of society is always at the forefront of various goals and plans of countries, and the main factor in the development of societies is the growth of their economy. Investing in the stock market is very important in economic systems, in other words, it acts as an economic thermometer for countries. The role of the stock market in the economy of a country is a role that cannot be neglected.

The story of the famous Wall Street

Wall Street is currently the New York Stock Exchange, the largest stock market in terms of trading volume and capital market value in the world. As the world's major stock exchanges began to take the first step, other countries gradually gained stock, so much so that today there are few countries that do not have stock exchanges.

If we look at the history of trade and financial exchanges in recent decades, we see the great revolution in the country's economic system and even the world by Wall Street, the birthplace of most commercial transactions, because today Wall Street is home to America's richest businessmen.

The New York Stock Exchange (NYSE), the world's largest stock exchange in terms of trade and transactions, is the center of the largest economic units in the United States.

Several major US stock exchanges, such as NASDAQ, USEX, the New York Mercantile Exchange (NYMEX) and the New York Stock Exchange (NYBOT), have been established in Wall street, the starting point of most business transactions.

In September 1653, local residents, now New Yorkers, built a large wall on the island of Manhattan to protect themselves from local aggression and the invasion of Oliver Cromwell's army. over time and by development of Manhattan, a street along that wall was built with the same name (Wall street) and the name still remains on it.



ISO

مشاوره و اخذ ایزو
مطابق با کسب و کار شما

اطلاعات بیشتر: ارسال ۴۴ به ۳۰۰۰۶۰۱۶



جمهوری اسلامی ایران

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



فوت و فن میزبانی خوب را از فن پیاموزید!

دوره آموزشی تشریفات، هتلداری و رستوران داری
ویژه علاقمندان به برگزاری جشن ها و مهمانی ها و
کارکنان هتل و رستوران ها...

مشاوره تلفنی رایگان:

ارسال عدد ۶۲ به ۳۰۰۰۶۰۱۶



کلاس‌های آموزشی

نمایندگی بیمه و کارگزاری بیمه

زیر نظر بیمه مرکزی ایران و پژوهشکده بیمه

مشاوره ثبت نام ارسال

عدد ۸۰ به ۳۰۰۰۶۰۱۶

هولدینگ پر افتخار پارس پندار نهاد

استخدام



هولدینگ پارس پندار نهاد
www.parspn.com

اصفهان و تهران

ما به دنبال جذب افراد حرفه ای هستیم

هولدینگ پر افتخار پارس برای سال ۹۹ از میان بانوان توانمند در اصفهان و تهران دارای شرایط زیر با حقوق ۳ تا ۱۵ میلیون تومان در سمت پشتیبان و مشاوره فروش استخدام به عمل می آورد :

✓ روابط عمومی بسیار عالی و ظاهر آراسته

✓ دارای سابقه کار حداقل ۳ سال بیمه دار و حسن شهرت

✓ علاقه مند به یادگیری و کارگروهی پرنرژی و مثبت

✓ ترجیحاً متاهل و حداکثر سن ۳۵ سال

✓ آشنابه کار با کامپیوتر و شبکه های اجتماعی

مزایا

✓ محل کار واقع در: اصفهان، خیابان سعادت آباد

✓ تهران شهرک غرب، بلوار دریا

✓ دارای مشاور منابع انسانی، سرمایه گذاری مسکن و اعطای وام ✓ حقوق عالی و بیمه

علاقه مندان جهت شرکت در مصاحبه صرفاً، رزومه کامل خود را به شماره

۰۹۱۹۹۳۱۱۰۰۲ ارسال فرمایند.

پس از بررسی در صورت واجد شرایط بودن جهت مصاحبه حضوری با شما تماس گرفته خواهد شد

اطلاعات بیشتر در رابطه با مجموعه: PARSPN.COM

This week

**Stock
exchange
will make
companies
visible**

